۸صبح

روایت دیروز | آئینه امروز | نوید فردا

سال سیزدهم
شماره ۳۳۹۶
سه‌شنبه
۲۴ سرطان ۱۳۹۹
۱۴ جولای ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

اندیشه طالبان بعد از صلح تغییر خواهد کرد؟

۵

دوشنبه خونین؛

حملات طالبان در چهار ولایت ۳۷ کشته و ۷۰ زخمی برجای گذاشت

۳

شبکه‌های مخابراتی زیر تهدید طالبان؛

در یک سال گذشته ۱۷۵ سایت تخریب شده است

سعید شینواری، سخنگوی اداره تنظیم خدمات مخابراتی یا اترا در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که در جریان سال گذشته میلادی حدود ۱۷۵ سایت مخابراتی از سوی افراد مسلح در سراسر کشور تخریب و سوزانده شده است. در این سایت‌ها، آنتن‌های همه‌ی شرکت‌های مخابراتی شامل‌اند و تخمیناً هر کدام در حدود ۸۰ تا ۱۰۰ هزار دالر امریکایی مصرف داشته است. آقای شینواری هرچند میزان زیان وارد شده به شبکه‌های مخابراتی را مشخص نکرد، اما افزود که در جریان سال گذشته ۱۵ میلیون دالر به دلیل تخریب شدن آنتن‌ها به تمامی شبکه‌های مخابراتی زیان وارد شده است.
او سال ۲۰۱۹ میلادی را یک سال پرصدمه برای شبکه‌های مخابراتی عنوان کرد و گفت که در جریان دو دهه‌ی اخیر یک هزار آنتن مخابراتی از سوی «گروه‌های مخالف مسلح دولت» تخریب و یا هم سوزانده شده‌اند که از این میان تنها ۱۷۵ مورد آن در سال گذشته میلادی بوده است.

۳

رسالت‌ها برای صلح

افغانستان در یک مرحله حساس از حیات سیاسی و اجتماعی‌اش قرار گرفته است. دو نسل طالبان در جنگ و خشونت افغانستان سهم فعال داشته‌اند و دو نسل از مردم نیز در برابر تهاجم و تحریک طالبان، مقاومت کرده‌اند. نسل پیشین در جبهه‌ی مقاومت شمال و نسل امروز در صفوف نیروهای امنیتی در مبارزه با هراس‌افگنی قرار دارد.

۴

رشد طبقه‌ی «تن آسا» در افغانستان

۴

جاری شدن سیل در ولایت پنجشیر خسارات هنگفت مالی به مردم وارد کرده است

۸صبح، کابل: مقام‌های محلی در ولایت پنجشیر می‌گویند که جاری شدن سیل در بخش‌هایی از این ولایت، خسارات هنگفت مالی به مردم وارد کرده است.
منصور عنابی، سخنگوی والی پنجشیر به روزنامه ۸صبح گفت که در پی بارنده‌گی شدید که ساعت ۳:۰۰ بامداد روز دوشنبه، بیست‌وسوم سرطان، در سراسر پنجشیر شروع شد، در بخش‌هایی از این ولایت سیلاب جاری شده است و خسارات هنگفت مالی به مردم وارد کرده است.
سخنگوی والی پنجشیر گفت که سیلاب‌ها تلفات جانی در پی ندارد، اما مسیر جاده عمومی کابل - پنجشیر در ساحات ولسوالی‌های عنابه و شتل به روی ترافیک مسدود شده است.
او میزان خسارت مالی را که در پی جاری شدن سیل در پنجشیر به مردم وارد شده است، بلند توصیف کرد.
سخنگوی والی پنجشیر افزود که تلاش‌ها برای بازگشایی مسیر جاده‌هایی که بسته شده است، جریان دارد.
در همین حال، احمدتمیم عظیمی، سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث، روز دوشنبه، بیست‌وسوم سرطان، به روزنامه ۸صبح گفت که در نتیجه بارنده‌گی‌های دو روز پیش در ولایت کنر ۱۵ خانه مسکونی تخریب شده است.
او افزود که طوفان شدید همراه با ژاله و رعد وبرق در ولایت پنجشیر بامداد روز دوشنبه آغاز شده است که تاکنون از میزان خسارات و تلفات آن جزییاتی در دست نیست.

نشست سه‌جانبه وزیران خارجه‌ی افغانستان، آذربایجان و ترکمنستان برگزار شد

۸صبح، کابل: نشست سه‌جانبه وزیران خارجه‌ی افغانستان، آذربایجان و ترکمنستان روز دوشنبه، بیست‌وسوم سرطان، از طریق کنفرانس ویدیویی برگزار شد. در این نشست، محمدحنیف اتمر، سرپرست وزارت خارجه، المارمحمد یاروف، وزیر خارجه آذربایجان و رشید مرادوف، وزیر خارجه ترکمنستان درباره‌ی گسترش همکاری‌های سه‌جانبه گفت‌وگو کردند.
وزارت خارجه اعلام کرده است که هدف از برگزاری این نشست، بحث برای طرح و تدوین راهکارهای تطبیقی در مورد پیشنهادهای مطرح شده در نشست رهبران هر سه کشور بوده است.
در اعلامیه وزارت خارجه آمده است که در این نشست روی راهکاری‌های عملی‌سازی طرح‌های گسترش همکاری سه‌جانبه در چهار مورد مشخص که در جریان نشست رهبران سه کشور به شمول تقویت همکاری در سکتور ترانسپورت، تجارت، انرژی و سرمایه‌گذاری مطرح شده بود، مورد بحث قرار گرفته است.
طبق اعلام وزارت خارجه، در این نشست سه‌جانبه روی ایجاد میکانیزم‌های تطبیقی طرح‌های یادشده توافق شده است.
هم‌چنان در این نشست فیصله شده است که گروه کاری سه‌جانبه ترانسپورت به هدف عملی کردن این طرح‌ها، تشکیل جلسه بدهند.
وزارت جارجه گفته است که هر سه طرف در این نشست روی استفاده حداکثری از توافق‌نامه راه لاجورد به هدف توسعه تجارت و ترانسپورت، در مورد پروژه تمدید فایبر نوری، تمدید خط آهن، حمایت از سرمایه‌گذاران، ایجاد تسهیلات لازم در گمرک‌ها، قواعد سهل مالیاتی، توسعه دهلیزهای ترانسپورت و تجارت، تعیین گروه‌های کاری سکتوری به سطح سه کشور و برگزاری به موقع این سلسله نشست‌های وزیران خارجه تأکید کرده‌اند.
محمداشرف غنی، رییس جمهور در دوازدهم سرطان، با الهام علی‌اوف، رییس جمهور آذربایجان و قربان‌قلی بیردی محمدوف، رییس جمهور ترکمنستان از طریق کنفرانس ویدیویی گفت‌وگو کرد. این نشست به ابتکار محمداشرف غنی برگزار شد.
در این نشست فیصله شده است که یک کمیته کاری مشترک بین سه کشور به هدف اتصال منطقه‌ای، توسعه خط آهن، فایبر نوری، ترانسپورت و توسعه دادوستد تجارتی ایجاد شود. طبق این فیصله، قرار است کمیته مشترک در سطح وزیران ترانسپورت هر سه کشور ایجاد شود.
این کمیته گزارش‌های خود را هر سه ماه بعد برای حل مشکلات و جلوگیری از احتمال بیروکراسی، به رییسان جمهور هرسه کشور ارایه خواهد کرد.

یک کارمند بلندپایه کرکت بورد به اتهام فساد از سمتش برکنار شد

۸صبح، کابل: کرکت بورد اعلام کرد که هستی‌گل عابد، بازیکن سابق تیم ملی و از مدیران داخلی کرکت کشور به اتهام فساد از سمتش برکنار شده است.
این نهاد روز دوشنبه، بیست‌وسوم سرطان با نشر اعلامیه‌ای گفته است که هستی‌گل عابد به دلیل امضاهای جعلی در فهرست جام غازی امان‌الله خان در ۲۰۱۸، گرفتن بخشی از مالیه بازیکنان، عدم پرداخت پول به بازیکنان و دخیل بودن در فساد از سمتش در تیم ملی برکنار شده است.
وی در آن زمان مسوولیت اداره کرکت داخلی را برعهده داشت و در حال حاضر به عنوان یکی از مربیان ملی کرکت وظیفه اجرا می‌کرد.
کرکت بورد گفته است که این تصمیم متناسب به ماده ششم اصول منابع بشری گرفته شده که بر اساس آن، کارمندان این اداره در صورتی که در فساد دخیل باشند، باید کار برکنار شوند.
این بورد تصریح کرده است که هستی‌گل عابد بر موارد یاد شده اعتراف کرده و دخیل بودنش در موارد فساد را نیز پذیرفته است.
این در حالی است که کرکت بورد افغانستان می‌گوید، به مبارزه در برابر فساد متعهد است و برداشتن گام‌های این چنینی را برای شفافیت کامل در این اداره، از اولویت‌هایش می‌داند.
گفتنی است که پیش از این، شفیق‌الله شفق، دیگر بازیکن تیم ملی نیز به دلیل هم‌دستی در مواردی از فساد در لیگ برتر ۲۰۱۸ کرکت افغانستان و لیگ برتر ۲۰۱۹ بنگله‌دیش برای شش سال از حضور در میدان‌های کرکت منع شد.
پیش‌تر، شورای جهانی کرکت در سال ۲۰۱۹ میلادی مواردی از فساد در لیگ برتر کرکت افغانستان را گزارش داده بود که به ایجاد پرونده پیرامون عاملان آن منجر شد.

سالانه چقدر عواید گمرک هرات حیف‌ومیل می‌شود؟

ولایت هرات در غرب کشور با داشتن بندرهای عایداتی، کارخانه‌های تولیدی در شهرک صنعتی و داشتن ظرفیت عظیم در ایجاد عواید از مسیر ترانسپورت جاده یکی از قطب‌های همیشه فعال اقتصاد کشور بوده است؛ چنان‌که سالانه ده‌ها میلیارد افغانی به بودجه کشور واریز می‌کند.

۵

آفت‌های طبیعی، بلای جان زمین‌های کشاورزی در غور

چندی پیش هجوم گسترده ملخ و موریانه‌ها بر زمین‌های کشاورزی در ولایت غور، نگرانی کشاورزان این ولایت را در پی داشت، با گذشت حدود یک‌ماه از هجوم ملخ‌ها، بروز آفت کرم در زمین‌های کشاورزی در بخش‌هایی از این ولایت آسیب رساند. ولسوالی لعل‌وسرجنگل، از مناطقی که بیش‌ترین محصولات کچالوی غور...

۶

۸صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۳۹۶
سه‌شنبه
۲۴ سرطان ۱۳۹۹
۱۴ جولای ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

زنگ اول

تشدید جنگ و خشونت راه‌حل نیست

طالبان دور تازه‌ای از حملات‌شان را بر نیروهای امنیتی آغاز کرده‌اند، هرچند طالبان هرگز نگفته‌اند که حملات‌شان را متوقف می‌کنند و به آتش‌بسی که حکومت و طالبان در روزهای عید اعلام کرده بودند، پابند می‌مانند. گروه طالبان در تازه‌ترین مورد جنگ را تنها انتخاب خود اعلام کرده است. حکومت همواره طالبان را به آتش‌بس دعوت کرده است، اما اختلاف نظر حکومت و طالبان بر سر رهایی زندانیان طالبان باعث شده است تا این گروه موج تازه‌ای از حملاتش را آغاز کند. از دیروز تا امروز در ولایت‌های کندز، بدخشان و پروان بیش از ۲۰ تن از نیروهای امنیتی افغانستان در نتیجه حملات طالبان کشته شده‌اند. هم‌چنان تفنگ‌داران شناخته نشده در ولایت غزنی دو بزرگ قومی را ترور کرده‌اند.

موج خشونت و حملات مرگ‌بار از جانب نیروهای مخالف حکومت هرگز پایان نیافته است. در تازه‌ترین مورد در اثر حمله به ریاست امنیت ملی ولایت سمنگان، ۱۰ نیروی امنیت ملی کشته شده‌اند و ۴۳ تن به شمول سه زن، سه کودک و شماری دیگر از غیر نظامیان زخمی شده‌اند.

رییس جمهور غنی در پاسخ به حمله ولایت سمنگان در اعلامیه‌ای گفته است که توسل به کشتن مردم برای گرفتن امتیاز در مذاکرات، بدترین روی‌کرد ممکن است. او این حملات را جنایت‌کارانه و ضد بشری خوانده است. او گفته است که چنین حملاتی نشان می‌دهد که گروه طالبان به خشونت و تداوم جنگ پافشاری دارد.

او هم‌چنان از طالبان خواسته است که از «جنگ و افغان‌کشی» دست بکشند. عبدالله عبدالله رییس شورای عالی مصالحه ملی نیز در بیانیه‌ای حمله طالبان به ولایت سمنگان را حملات کور و خلاف تعهدات در راستای شروع مذاکرات و برقراری صلح عنوان کرده است.

او هم‌چنان گفته است که طرف‌ها باید به جان و مال غیر نظامیان وقع گذاشته و از کشتار و خون‌ریزی بیش‌تر بپرهیزند.

با تشدید حملات طالبان مردم نیز از ادامه این خشونت‌ها نگران‌اند. بحث مذاکرات صلح امید تازه‌ای در دل مردم دمیده بود. روزهایی که حملات انتحاری و خشونت‌ها کاهش یافته بودند مردم امید صلح را در دل زنده کرده بودند و انتظار داشتند که حکومت افغانستان و طالبان برای پایان دایمی خشونت‌ها از هر تلاشی دریغ نورزند.

طوری که دیده می‌شود دیگر در مسیر مذاکرات صلح عملاً بن‌بست‌های جدی پیش آمده است و طالبان بیش از حکومت به گونه یک‌جانبه پیش‌شرط تعیین می‌کنند و طوری نشان می‌دهند که هر خواسته‌ای را باید با خون و خشونت بر حکومت تحمیل کنند.

حکومت افغانستان پیشنهاد داده بود که گروه طالبان باید افراد دیگری را به جای ۵۹۲ نفر معرفی کند تا آن‌ها آزاد شوند، حکومت، علت این درخواستش را پرونده‌های جرمی این زندانیان عنوان کرده بود. طالبان اما اصرار دارند، تا زمانی که افراد مورد نظرشان رها نشوند، حاضر نیستند دور میز مذاکرات صلح حاضر شوند.

حتا معلوماتی نیز وجود دارد که طالبان طرح سقوط ولایت‌های فراه، کندز و غزنی را روی دست داشته‌اند تا در میز مذاکرات به زعم خودشان به امتیازات بیش‌تری برسند.

تاریخ معاصر افغانستان سرشار از جنگ‌هایی است که در هر دو طرف مردم کشته شده‌اند، ادامه جنگ و خشونت‌ها چیزی جز تداوم این مرگ‌ومیر نیست.

جنگ هم از جانب حکومت و هم از جانب طالبان قربانی می‌گیرد و روش عقلانی این است که طالبان مقداری انعطاف نشان بدهند و با حضور در میز مذاکرات مانع تداوم این جنگ و کشتار شوند. اگر تصور کنیم، صلحی بین حکومت و طالبان به میان بیاید پاسخ طالبان برای ادامه این خشونت‌ها که منجر به مرگ‌ومیر سربازان حکومت، جنگ‌جویان طالب و غیرنظامیان می‌شود، چیست؟

بدون شک در پیشگاه مردم پاسخ قناعت‌بخشی ندارند. افغانستان در اواخر دهه شصت تجربه تلخی از به نتیجه نرسیدن گفت‌وگوهای صلح دارد، اگر طرح صلح بنین سیوان عملی می‌شد و حکومت داکتر نجیب الله و مجاهدین به جای جنگ صلح می‌کردند، ما شاهد جنگ‌های ویران‌گر داخلی بعدی نمی‌بودیم، امروز افغانستان به مراتب در جایگاه بهتری قرار داشت و میلیون‌ها هم‌وطن ما کشته، زخمی و آواره نمی‌شدند. مذاکرات صلح جدید، فرصتی است که همه طرف‌ها باید برای جلوگیری از کشتار بیش‌تر هم‌وطنان‌شان تلاش کنند و نگذارند که این فرصت نیز مانند فرصت اواخر دهه شصت از دست برود. مردم ما از جنگ خسته‌اند و تشنه صلح‌اند. زمان آن فرا رسیده است که جنگ و خشونت‌ها پایان یابند.

۱۴ نیروی امنیتی در حمله طالبان در کندز کشته شدند

۸صبح، کابل: مقام‌های محلی در ولایت کندز می‌گویند که در پی حمله طالبان در ولسوالی‌های امام صاحب و چهاردره‌ی کندز، ۱۴ نیروی امنیتی کشته و دو نیروی دیگر زخمی شده‌اند.

عصمت‌الله مرادی، سخنگوی والی کندز، روز دوشنبه، بیست‌وسوم سرطان، به روزنامه ۸صبح گفت که در پی حمله طالبان در ولسوالی چهاردره سه سرباز ارتش و سه پولیس محلی کشته شده‌اند. به گفته او، یک سرباز پولیس محلی در این حمله زخم برداشته است.

سخنگوی والی کندز گفت که حمله گروه طالبان ناوقت شب گذشته در ولسوالی چهار دره آغاز شد و تا ساعت ۳:۰۰ بامداد ادامه داشت و با اعزام نیروهای کمکی، عقب زده شده است. در این حمله سه عضو گروه طالبان کشته شده و چهار عضو دیگر این گروه زخم برداشته‌اند.

عصمت‌الله مرادی از جانب دیگر گفت که در حمله گروه طالبان در ولسوالی امام صاحب، چهار سرباز ارتش و چهار سرباز پولیس کشته شده‌اند و یک نفر دیگر زخم برداشته است.

به گفته او، این حمله ناوقت یک‌شنبه‌شب گذشته آغاز شد و تا ساعت ۶:۰۰ بامداد دوشنبه ادامه یافته است.

سخنگوی والی کندز گفت که در این حمله به گروه طالبان نیز تلفات سنگین وارد شده است و مقدار زیادی از سلاح و مهمات این گروه به دست نیروهای امنیتی افتاده است.

این در حالی است که شب گذشته ولایت‌های پروان و بدخشان نیز شاهد حملات خونین گروه طالبان بوده است. در حمله طالبان در ولسوالی شینواری پروان چهار سرباز ارتش کشته شده‌اند. در ولسوالی ارغنج‌خواه ولایت بدخشان نیز هفت نیروی امنیتی در پی حمله‌ای که مقام‌های محلی می‌گویند، گروه طالبان با شبکه القاعده و گروه داعش به صورت مشترک اجرا کرده است، کشته شده‌اند.

حمله طالبان به ریاست امنیت ملی سمنگان ۱۰ کشته و ۴۳ زخمی برجای گذاشت

۸صبح، کابل: مقام‌های محلی در ولایت سمنگان می‌گویند که حمله طالبان به ریاست امنیت ملی این ولایت با کشته شدن همه مهاجمان پایان یافته است. عبداللطیف ابراهیمی، والی سمنگان، به روزنامه ۸صبح گفت چهار مهاجم طالب در این حمله دست داشته‌اند که همه‌ی‌شان از پا درآمده‌اند.

والی سمنگان گفت که در این حمله ۱۰ نیروی امنیت ملی کشته شده‌اند و ۴۳ نفر از جمله سه زن، سه کودک و شماری غیرنظامیان و نظامیان زخمی شده‌اند. ریاست عمومی امنیت ملی تاکنون در این مورد چیزی نگفته است. برخی از منابع خبری شمار زخمیان این رویداد را ۵۰ نفر گزارش کرده‌اند.

مهاجمان گروه طالبان ساعت ۱۰:۵۰ روز دوشنبه، بیست‌ودوم سوم سرطان، یک موتر نوع باربری پر از مواد انفجاری را در جاده‌ای بین ساختمان شهرداری و ریاست امنیت ملی منفجر کردند و به دنبال آن وارد ساختمان ریاست امنیت ملی شدند.

والی سمنگان گفت که قدرت انفجار به حدی بود که شیشه‌های ساختمان اطراف حادثه فروریخته است.

طبق معلومات والی سمنگان، هدف گروه طالبان حمله بر ساختمان مقام ولایت و فرماندهی پولیس بوده است، اما پس از آن‌که موفق به اجرای حمله بر این دو ساختمان دولتی نشده است، به ساختمان ریاست امنیت ملی حمله کرده است.

گروه طالبان ساعاتی پس از این انفجار مسوولیت آن را بر عهده گرفت و گفت که در آن ۷۰ نفر از کارمندان استخباراتی کشته و زخمی شده‌اند.

این در حالی است که پیش از این گفته شده بود که گروه طالبان براساس توافق‌نامه‌ی صلحی که با امریکا امضا کرده است، به مراکز نظامی در داخل شهرهای بزرگ حمله‌های انتحاری را راه‌اندازی نمی‌کنند.

انفجار سه پُلچک توسط طالبان در قندهار؛ تادین خان به قطعه‌قطعه کردن عاملان آن هشدار داد

۸صبح، کابل: مقامات محلی در قندهار می‌گویند که گروه طالبان شب گذشته سه پُلچک را در بزرگ‌راه قندهار-راغستان منفجر کرده و به گونه کامل از بین برده‌اند.

دفتر والی قندهار روز دوشنبه، بیست‌وسوم سرطان، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که با وجود این رویداد، نیروهای امنیتی موفق شده‌اند هشت ماین دیگر را از زیر سه پُلچک کشف و خنثا کنند.

به نقل از اعلامیه، طالبان پیش‌تر به مردم عام هشدار داده بودند که از رفت‌وآمد در این بزرگ‌راه خودداری کنند، اما پس از ادامه این رفت‌وآمدها، این گروه تصمیم به انفجار پُلچک‌ها گرفته است.

در اعلامیه آمده است که مردم محل شکایت کرده‌اند که نمی‌توانند برای انتقال بیماران و میوه‌های موسمی از ولسوالی راغستان به شهر قندهار سفر کنند و حتا در جریان روزهای اخیر با کم‌بود مواد خوراکی روبه‌رو شده‌اند.

دفتر والی قندهار گفته است که برای حل زودهنگام این معضل، به ولسوال راغستان هدایت داده شده که این موضوع را توسط گفت‌وگو میان بزرگان محل و طالبان حل کرده تا راه به روی مردم عام باز شود.

تادین خان، فرمانده پولیس قندهار، اما هشدار داده است که عاملان این قضیه را «قطعه قطعه» می‌کند. وی در صفحه توییترش خبر انفجار این پُلچک‌ها را همه‌گانی کرده و نوشته است: «عملیات بر ضد مدافعان منافع پنجاب در راه است. به زودی اجساد قطعه‌قطعه شده‌شان را خواهید دید».

این رویداد در حالی اتفاق می‌افتاد که حملات گروه طالبان در روزهای اخیر افزایش یافته است.

پیش از این، وزارت امور داخله گفته بود که طالبان در جریان سه ماه اول سال ۱۱۰ پروژه زیربنایی را در ۱۴ ولایت تخریب کرده‌اند. مسوولان تصریح کرده بودند که علاوه بر ۴۱ باب مکتب، شش باب شفاخانه، ۱۵ پایه برق و پنج پایه مخابراتی، این گروه ۴۱ پُل و پُلچک را نیز از بین برده‌اند.

فابریکه تصدی بُست هلمند پس از هفت سال دوباره فعال شد

۸صبح، کابل: فابریکه تصدی بُست که در آن پنبه پروسس می‌شود، پس از تاخیر هفت‌ساله دوباره افتتاح و فعال شد.

دفتر مقام ولایت هلمند روز دوشنبه، بیست‌وسوم سرطان، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که با فعال شدن دوباره این فابریکه، علاوه بر فراهم شدن کار برای هزاران دهقان پنبه، زمینه کار روزانه برای ۳۰۰ نفر نیز فراهم می‌شود.

قرار است در سال روان چهار هزار تُن پنبه برای پروسس در این فابریکه خریداری شود که تاکنون کار خرید ۸۰۰ تُن آن تکمیل شده است.

بر اساس معلومات مقام ولایت هلمند، قرار است پس از پروسس در این فابریکه، پنبه خالص، روغن، صابون، کنجاره و بقایای پنبه تولید شود.

محمد یاسین، والی هلمند، هنگام افتتاح دوباره این فابریکه گفته است که ۲۰۰ میلیون افغانی از بودجه حکومت منظور شده، که از این میان، ۱۵۰ میلیون آن انتقال یافته و کار روی انتقال ۵۰ میلیون افغانی دیگر ادامه دارد.

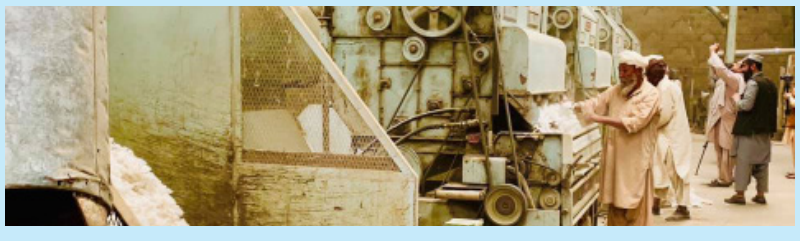

وی در ادامه تصریح کرده که فعال شدن دوباره این فابریکه هم‌زمان با فراهم کردن زمینه کاری برای مردم و دهقانان، می‌تواند بدیل خوبی برای کشت کوکنار در این ولایت باشد.

گفتنی است که تصدی بست هلمند حدود ۵۰ سال پیش تاسیس شد. این تصدی ۱۱ سال پیش به دلیل نبود بودجه کافی مسدود شده بود، اما سپس برای مدتی فعال شده و دوباره کار آن متوقف شد.

ولایت هلمند از بزرگ‌ترین مرکزهای تولید پنبه در کشور است و در آن بیش از ۱۵ هزار هکتار زمین پنبه کشت می‌شود. از هلمند هم‌چنان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز کشت کوکنار در کشور نیز نام برده می‌شود.

صبح ۸
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۳۹۶
سه‌شنبه
۲۴ سرطان ۱۳۹۹
۱۴ جولای ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

دوشنبه خونین؛

حملات طالبان در چهار ولایت ۳۷ کشته و ۷۰ زخمی برجای گذاشت

حسیب بهش

تنها یک روز پس از تقابل حکومت و طالبان در امر کاهش خشونت‌ها پیش از آغاز مذاکرات مستقیم، سمنگان، کندز، بدخشان، و پروان دوشنبه خون‌باری را پشت سر گذاشتند که در مجموع در این تقابل‌ها ۳۶ تن کشته و ۷۰ تن دیگر زخمی شدند. حمله گروهی طالبان بر ریاست امنیت ملی سمنگان، ۱۲ کشته و ۶۳ زخمی برجا گذاشت. در این حمله، که بیش از یک ساعت ادامه یافت، ۱۲ کارمند ریاست امنیت ملی این ولایت کشته و برخی از کارمندان ریاست امنیت ملی و شهرداری سمنگان و هم‌چنان غیرنظامیان زخمی شدند. به گفته مقامات و خبرنگاران محلی، زنان و کودکان نیز در میان قربانیان این رویداد شامل‌اند. ارگ ریاست جمهوری، شورای عالی مصالحه ملی، یوناما، ناتو و برخی از سفارت‌خانه‌های کشورهای خارجی این رویداد را تقبیح کرده‌اند. ارگ تصریح کرده که توسل به ادامه خشونت و کشتن مردم برای به دست‌آوردن امتیاز در مذاکرات، بدترین روی‌کردی است که گروه طالبان آن را اختیار کرده است. این رویداد در حالی اتفاق می‌افتد که ۲۵ نیروی امنیتی روز گذشته در حمله‌های متعدد گروه طالبان جان باخته و هفت تن دیگر زخم برداشته‌اند.

طالبان یکی از خونین‌ترین روزهای پس از «هفته کاهش خشونت‌ها» را رقم زدند. حوالی ساعت یازده پیش از چاشت روز یک‌شنبه، بیست‌وسوم سرطان، طالبان موتر نوع «مازدا» را در جلو درب ریاست امنیت ملی در ایبک منفجر کردند و سپس دو مهاجمان طالب وارد این ریاست شدند. صفت‌الله سمنگانی، معاون والی سمنگان در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح گفت که مهاجمان یک‌ونیم ساعت به جنگ ادامه داده و سپس از سوی نیروهای امنیتی از پا در آمدند. با این حال اما صدای فیرهای پراکنده تا پایان عملیات در سطح شهر ایبک شنیده شده است. وی افزود، در این رویداد، ۱۲ تن، از جمله یک خانم، کشته و ۶۳ تن زخمی شده که همه قربانیان این رویداد را کارمندان ریاست امنیت ملی تشکیل می‌دهند. با این حال اما وی تصریح کرد که زخمیان این رویداد شامل کارمندان این ریاست، کارمندان شهرداری و افراد غیرنظامی‌ای‌اند و وضعیت بیش‌تر آنان «مطلوب» گزارش داده شده است.

آقای سمنگانی گفت که ۱۵ کارمند ریاست امنیت ملی، ۱۶ کارمند ریاست شهرداری ایبک نیز در میان زخمیان حضور دارند. به این ترتیب، سایر زخمیان را غیرنظامیان تشکیل می‌دهند که یک خانم و دو کودک نیز در آن شامل است. به گفته معاون والی سمنگان، وضعیت بیش‌تر زخمیان «مناسب» بوده و شماری از آنان از شفاخانه رخصت شده‌اند. بر اساس معلومات آقای سمنگانی، وضعیت دو زخمی این رویداد وخیم بوده که برای مداوای بیش‌تر به بلخ فرستاده شده‌اند. در همین حال، خبرنگاران محلی گزارش داده‌اند که حمله روز گذشته، وضعیت شهر ایبک را برآشفته ساخته است. فضل‌الرحمان ساعی، خبرنگار محلی به روزنامه ۸صبح گفت که هر چند وضعیت شهر دوباره به حالت عادی بازگشته، اما بیش‌تر دفترها و خانه‌های مسکونی نزدیک این رویداد صدمه جدی‌ای دیده‌اند. وی افزود که در این رویداد زیان هنگفت مالی به مردم شهر ایبک وارد شده است.

به گفته این خبرنگار محلی، مردم ایبک از رهایی بی‌رویه زندانیان طالب انتقاد کرده و معتقد اند که رویداد روز گذشته برخاسته از رهایی زندانیان طالب در همین روند است. طالبان مسوولیت این رویداد را برعهده گرفته و ادعا کردند که بیش از ۱۰۰ نیروی امنیتی تلفات وارد کرده‌اند. پیش‌تر گروه طالبان، بارها تصریح کرده بود که به توافق‌نامه صلح دوحه پابند مانده و به همین دلیل، حملات برشهرها، مراکز بزرگ امنیتی را متوقف کرده است. این رویداد که اما از سوی سران حکومت، کشورهای همکار و برخی از سازمان‌های بین‌المللی به گونه گسترده نکوهش شد. ارگ ریاست جمهوری با نشر اعلامیه‌ای حمله در شهر ایبک را «جنایت‌کارانه و ضدبشری» خواند و تصریح کرد که این حمله بیان‌گر آن است که طالبان هنوز هم به خشونت و تداوم جنگ پافشاری دارند. به باور ارگ ریاست جمهوری، گروه طالبان با توسل به ادامه خشونت و کشتن مردم برای به دست‌آوردن امتیاز در مذاکرات، بدترین روی‌کرد را اختیار کرده است.

عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی نیز این رویداد را «حمله کور» خوانده و گفته است که این گونه حمله‌ها خلاف تعهدات در راستای شروع مذاکرات بین‌الافغانی، کاهش خشونت و برقراری صلح و آشتی در کشور است. وی با نکوهش این رویداد، گفته است که هدف قراردادن غیرنظامیان و تاسیسات عامه توجیه‌شدنی نیست. به گفته آقای عبدالله، تشدید جنگ و خشونت، نه تنها پیش‌رفت‌ها در روند صلح را صدمه می‌زند، بل‌که مذاکرات پیش رو را تحت شعاع قرار داده و روند صلح را آسیب می‌زند. دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد «یوناما» نیز با نشر اعلامیه‌ای گفته که ده‌ها غیرنظامیان در رویداد سمنگان زخمی شده‌اند و نیاز است دو طرف همه اقدامات‌شان برای جلوگیری از وارد کردن صدمه به غیرنظامیان را انجام دهند. این نهاد از طرف‌های درگیر خواسته که قوانین بشردوستانه بین‌المللی را رعایت کنند و از غیرنظامیان محافظت داشته باشند.

سازمان اتلانتیک شمالی «ناتو» نیز با نشر یک توییت این حمله را محکوم کرده است. در اعلامیه آمده است که کشته و زخمی شدن غیرنظامیان در سمنگان توجیه ندارد و اصرار طالبان بر دوام خشونت، «فرصت بی‌نظیر صلح» را به خطر می‌اندازد. ناتو از گروه طالبان خواسته است که خون‌ریزی را متوقف کند و در میز مذاکرات سازنده شرکت کند. هم‌زمان با این، یان کولارد، معاون سفیر انگلستان با نشر یک توییت حمله در ایبک را نکوهش و با قربانیان ابراز غم‌شریکی کرده است. وی تصریح کرده که اگر طالبان می‌خواهند که آماده‌گی‌شان برای صلح را نشان دهند، پس باید خشونت‌ها را متوقف کنند. در همین حال، راس ویلسن، سرپرست سفارت امریکا در افغانستان نیز گفته است که برای آغاز مذاکرات مستقیم، زندانیان دو طرف باید تبادله شده و طالبان نیز خشونت‌ها را کاهش دهند.

این حمله در حالی صورت می‌گیرد که در سه رویداد دیگر در جریان روز گذشته، ۲۵ نیروی امنیتی و دو غیرنظامی کشته و هفت تن زخم برداشتند. در حمله شبانگاه گروه طالبان بر پاسگاه‌های امنیتی در کندز، ۱۴ نیروی امنیتی کشته و دو تن دیگر نیز زخمی شدند. مقامات محلی بدخشان نیز تایید کردند که هفت نیروی امنیتی در نتیجه حمله مشترک گروه‌های طالبان، داعش و القاعد در ولسوالی ارغنج‌خواه کشته شده‌اند. هم‌زمان با این، چهار نیروی امنیتی توسط گروه طالبان در پروان کشته شدند. این در حالی است که شورای امنیت ملی پیش‌تر اعلام کرد که گروه طالبان خشونت‌ها را در روزهای اخیر افزایش داده و روند صلح را «مختل» کرده است.

گفتنی است که این اولین حمله گسترده در شهر ایبک در جریان نُه سال اخیر است. در حمله سال ۱۳۹۱ بر مراسم عروسی در این ولایت، ۲۲ تن کشته و ۴۳ تن دیگر زخم برداشتند. در آن حمله، احمدخان سمنگانی، عضو مجلس نماینده‌گان و محمدخان، رییس امنیت ملی این ولایت نیز جان باختند. رویداد ایبک در حالی اتفاق می‌افتد که روند تبادله زندانیان دو طرف هم‌چنان ادامه یافته است. بر اساس معلومات شورای امنیت ملی، تاکنون چهار هزار و ۱۹۹ زندانی طالب از زندان‌های حکومت آزاد شده‌اند. حکومت روز گذشته اعلام کرد که ۱۸۰ زندانی طالب را از زندان‌ها آزاد کرده است. طالبان نیز تا کنون ۷۸۸ زندانی نیروهای امنیتی را آزاد کرده‌اند. با این حال اما گروه طالبان به خواست حکومت و جامعه‌ی جهانی مبنی بر کاهش خشونت‌ها جواب رد داده و گفته است که کاهش خشونت‌ها، یا برقراری آتش‌بس، نیازمند گفت‌وگو و توافق جداگانه است.

شبکه‌های مخابراتی زیر تهدید طالبان؛

در یک سال گذشته ۱۷۵ سایت تخریب شده است

عبدالاحمد حسینی

اداره‌ی تنظیم خدمات مخابراتی (اترا) می‌گوید که در یک سال گذشته گروه طالبان ۱۷۵ سایت مخابراتی را در سراسر کشور مورد هدف قرار داده و تخریب کرده‌اند. به گفته اداره اترا سال گذشته، سالی پرصدمه برای شبکه‌های مخابراتی بوده و در حدود ۱۵ میلیون دالر امریکایی برای این شبکه‌ها زیان وارد شده است. علاوه بر این، شبکه‌های مخابراتی به دلیل تهدید طالبان، فعالیت‌شان را شب‌هنگام در بعضی نقاط کشور متوقف می‌کنند و این سبب شده که میلیون‌ها تن از شهروندان از خدمات مخابراتی محروم شوند.

سعید شینواری، سخنگوی اداره تنظیم خدمات مخابراتی یا اترا در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که در جریان سال گذشته میلادی حدود ۱۷۵ سایت مخابراتی از سوی افراد مسلح در سراسر کشور تخریب و سوزانده شده است. در این سایت‌ها، آنتن‌های همه‌ی شرکت‌های مخابراتی شامل‌اند و تخمیناً هر کدام در حدود ۸۰ تا ۱۰۰ هزار دالر امریکایی مصرف داشته است. آقای شینواری هرچند میزان زیان وارد شده به شبکه‌های مخابراتی را مشخص نکرد، اما افزود که در جریان سال گذشته ۱۵ میلیون دالر به دلیل تخریب شدن آنتن‌ها به تمامی شبکه‌های مخابراتی زیان وارد شده است. او سال ۲۰۱۹ میلادی را یک سال پرصدمه برای شبکه‌های مخابراتی عنوان کرد و گفت که در جریان دو دهه‌ی اخیر یک هزار آنتن مخابراتی از سوی «گروه‌های مخالف مسلح دولت» تخریب و یا هم سوزانده شده‌اند که از این میان تنها ۱۷۵ مورد آن در سال گذشته میلادی بوده است.

شبکه‌های مخابراتی تنها از این ناحیه متضرر نشده‌اند، بلکه به قول او، «گروه‌های مخالف مسلح» با ایجاد تهدیدها جلو فعالیت شبکه‌های مخابراتی را در نقاط تحت تصرف‌شان گرفته‌اند. اداره اترا پیش از این گفته بود که شبکه‌های مخابراتی تنها در پنج ولایت، فعالیت شبانه‌روزی دارد و در ۲۹ ولایت دیگر، فعالیت این شرکت‌ها به دلیل تهدیدات طالبان با محدودیت‌هایی روبه‌رو و در برخی از ولسوالی‌های این ولایت‌ها فعالیت شبانه این شرکت‌ها متوقف می‌شود. اکنون این اداره می‌گوید که در مجموع هفت هزار و ۲۱۰ سایت مخابراتی در سراسر کشور موجود است که از این میان حدود یک هزار و ۳۰۰ تای آن در جریان شبانه‌روز و در اوقات مختلف فعالیت‌شان متوقف می‌شود. به بیان او: «گاهی فعالیت شبکه‌های مخابراتی از صبح تا چاشت، گاهی از چاشت تا شب و گاهی از شب تا صبح غیرفعال می‌باشند.»

با این حال ولایت‌های کندز، غزنی، فاریاب، بغلان، بلخ، هلمند، جوزجان، بادغیس، فراه و پکتیا از جمله ولایت‌های است که باشنده‌گان آن از ناحیه عدم فعالیت شبانه‌ی شبکه‌های مخابراتی شکایت دارند. باشنده‌گان این ولایت‌ها همواره دولت را به ناتوانی در تأمین امنیت متهم می‌کنند و می‌گویند که به دلیل بی‌توجهی دولت آنان از خدمات مخابراتی محروم‌اند.

از سویی هم تلفن‌های همراه در دهه‌ی پسین به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر اساس معلومات سخنگوی اداره‌ی تنظیم خدمات مخابراتی تاکنون ۳۴.۶ میلیون سیم کارت به شهروندان فروخته شده که از این میان تنها ۲۲.۵ میلیون آن فعال و از آن‌ها استفاده می‌شود. بر این اساس وی خاطر نشان کرد که اکنون به دلیل تهدیدات «گروه‌های مخالف مسلح دولت» ۲۵ تا ۳۰ درصد مخابرات در جریان روز خاموش می‌مانند. وی از سوی دیگر یادآوری کرد که تنها در جریان سال گذشته و در جریان هفته کاهش خشونت تنها برای چند روز محدود شبکه‌های مخابراتی توانستند که در سراسر کشور فعالیت کنند، اما پس از هفته کاهش خشونت، تهدیدهای گروه‌های مخالف مسلح نیز افزایش یافت و فعالیت شبکه در مناطق تحت کنترل گروه طالبان متوقف شده است.

گروه طالبان در ماه حوت سال گذشته، برای امضای توافق‌نامه‌ای صلح با امریکا، یک مرحله هفت روزه کاهش خشونت را به مرحله اجرا گذاشتند. بر اساس آن طالبان متعهد شده بودند که حملات‌شان در شاهراه‌ها، اماکن عمومی، مراکز شهرها و مواضع ارتش و پولیس را در جریان هفت روز توافق شده، متوقف می‌کنند. در عین زمان، شبکه‌های مخابراتی توانستند که فعالیت‌شان را در تمامی نقاط کشور از سر گیرند. پس از آن اما وضعیت به حالت سابق برگشت و شمار آنتن‌ها غیر فعال نیز از ۵۵۰ به یک‌هزار و ۳۰۰ افزایش یافت.

اکنون اداره‌ای تنظیم خدمات مخابراتی می‌گوید که این اداره توانایی جلوگیری از تهدیدات گروه طالبان را ندارد، از این رو با شورای امنیت ملی روی یک طرح کار می‌کنند تا «این گروه تشویق شود که زیربناها را در کشور تخریب نکند». آقای شینواری تصریح کرد که این طرح در سال ۱۳۹۰ آماده شده، اما به دلایلی تاکنون عملی نشده بود. اکنون این طرح دوباره بررسی و تجدید نظر شده و بر اساس آن به قول این اداره، «گروه‌های مخالف مسلح دولت» تشویق می‌شوند تا زیربناهای مخابراتی، مکاتب، پل و پلچک را تخریب نکنند.

در حال حاضر شرکت‌های مخابراتی افغان بیسیم، اتصالات، ام‌تی‌ان، روشن و شرکت‌های دولتی افغان تلیکام و سلام از جمله شرکت‌هایی‌اند که خدمات مخابراتی عرضه می‌کنند.

روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

سال سیزدهم
شماره ۳۳۹۶
سه‌شنبه
۲۴ سرطان ۱۳۹۹
۱۴ جولای ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

رسالت‌ها برای صلح

فریداحمد امیری

افغانستان در یک مرحله حساس از حیات سیاسی و اجتماعی‌اش قرار گرفته است. دو نسل طالبان در جنگ و خشونت افغانستان سهم فعال داشته‌اند و دو نسل از مردم نیز در برابر تهاجم و تحریک طالبان، مقاومت کرده‌اند. نسل پیشین در جبهه‌ی مقاومت شمال و نسل امروز در صفوف نیروهای امنیتی در مبارزه با هراس‌افگنی قرار دارد. جنگ‌جویان کهن سال طالبان جامه رهبری و سیاست کردن به تن کرده و در قطر برای امتیازگیری و امارت‌خواهی کمر بسته و جوانان شورشی این جریان، در خط جبهه و جنگ، در برابر نیروهای امنیتی و نظام افغانستان، تهدید واقع می‌شود. بیست سال بود که رهبران پنهان شده و دست‌نیافتنی طالبان در هر جا و گوشه‌ای جست‌وجو می‌شدند و اما رد پای‌شان معلوم نبود که با این گماندازی، آرزوی صلح نزد مردم به یاس و ناامیدی انجامیده بود. باورها بر این بود که صلح در نبود رهبریت و انضباط میان گروه طالبان، بعید و ناممکن شده است. امریکایی‌ها نیز با مفکوره لشکرکشی برای سرکوب، جنگ را مقدمتر از گفت‌وگو می‌دانستند. این کشور هیچ‌گاه برای برقراری صلح از در مذاکره با طالبان اعتقاد و علاقه‌ای نداشت و آن‌ها را در روستاهای افغانستان با فشار نظامی دنبال می‌کردند.

با روی صحنه آمدن دولت ترمپ و وعده‌های انتخاباتی، وی بر کاهش چشم‌گیر نیروهای نظامی کشورش در افغانستان، کاهش مصارف اقتصادی در امور جنگی و با پاکشیدن از قضایای سیاسی- امنیتی در افغانستان و منطقه، زلمی خلیل‌زاد را برای نماینده ویژه امریکا برای صلح افغانستان وارد صحنه صلح‌خواهی و آشتی گماشت.

اگر کتاب جان بولتون مشاور پیشین شورای امنیت ملی امریکا را که اخیراً نشر گردیده، پرده‌برداری از بازی‌های کاخ سفید در خصوص صلح با طالبان استناد کنیم، رییس جمهور امریکا برخلاف رضایت نهادهای نظامی و استخباراتیاش، با مفکوره پیروزی در انتخابات، راه برد رقیبش را دریافت راه حل و گریز از افغانستان می‌داند. با این حال، آقای ترمپ سرنوشت مردم و نظام کنونی افغانستان را در میدان طالبان به قمار می‌زند و با رخت بستن شتاب‌زده، خواسته تا افکار عمومی امریکایی‌ها را فریب بدهد و داستان مبارزه با تروریسم جهانی را ناتمام بگذارد.

به هر روی، دولت و مردم افغانستان در پی دریافت راه‌حل سیاسی برای ختم جنگ و خشونت در افغانستان، انتظار همکاری جامعه‌ی جهانی و کشورهای منطقه را داشته تا بتوانند رهبران ناپیدای طالبان را در میز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی ببینند. اکنون فرصت طلایی و استثنایی پیش آمده تا دولت با خرد و تدبیر، با حمایت از ارزش‌ها و خواسته‌های برحق اکثریت مردم، با لابیگری و مهارت، طالبان را تشویق بازگشت به جامعه دموکراتیک و مردم‌سالار کند.

صلح پایدار و پایان منازعات نتیجه‌بخش در جهان، محصول تدبیر، دورنگری و چابکی رهبران سیاسی کشورها است که در اتاق‌های گفت‌وگو و صلح، با تدوین راهبردهای مبتنی بر منافع ملی دشمنان مسلح را وادار به پیروی از حقانیت اکثریت و واقعیت‌های جامعه نوین سازد.

برای فراهم شدن صلح و آرامش همیشه‌گی، استحکام پایه‌ی نظامداری و دوری از شکست و ریخت در آینده، رهبران دولت و هیأت گفت‌وگوکننده صلح می‌باید که به موارد زیر دقت و با احتیاط و خرد، وارد مبارزه حق‌طلبانه حین گفت‌وگوهای صلح گردد.

۱) اراده‌ی طرف‌ها برای صلح:

هیأت گفت‌وگوکننده صلح مطمین شود که دو طرف درگیر، برای صلح و آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی اراده و تعهد دارند و هیچ گونه نیت برای سبوتاژ صلح از سوی دولت و طالبان وجود نداشته و به شروط هم‌دیگر برای آغاز گفت‌وگوها، اقدامات عملی صورت گیرد. باورهای شکل گرفته در جامعه این است که، رهبری دولت فعلی برای تداوم قدرت و حضور پنج ساله در رأس نظام، علاقه‌ی چندانی به نتیجه زودهنگام گفت‌وگوها ندارد و دور انداختن فصل صلح را به سود خویش می‌داند. این در حالی است که گروه طالبان نیز با افزایش خشونت‌ها و بهانه‌جویی در خصوص رهایی زندانیان سفارشی، به استقلالیت و غیر وابسته‌گی این گروه مهر بی‌باوری می‌کوبد.

در دو دهه گذشته، دولت افغانستان در خصوص صلح بی آن که سیاست ثابت و موضع مستحکم داشته باشد، همواره سیاست روزمره‌گی را در پیش گرفته و با عواطف، احساسات و قهر همراه بوده است. گاهی با افزایش خشونت‌ها و ازدیاد حملات انتحاری کاروان صلح‌طلبیاش را از نیمه‌راه گفت‌وگو دوباره به عقب می‌کشد و انرژی بیش‌تر در پس‌وپیش کردن قدم‌های ابتدایی صرف می‌شود.

۲) لابیگری برای امتیازگیری:

طالبان با دریافت امتیازات بیش‌تر و کشاندن پای وزیر خارجه امریکا به قطر حین امضای موافقت‌نامه با آن کشور، و نیز دو سال سرگردانی زلمی خلیل‌زاد، نشان دادند که از لابی‌گری و مهارت بالا در امر امتیازگیری و تحقق اهداف‌شان، برخوردار شده‌اند. بیرون شدن نام رهبری‌شان از لیست سیاه شورای امنیت سازمان ملل، خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، جایافتن طالبان در قدرت سیاسی افغانستان، نگارش امارت در جاهای از توافقنامه، گذشت از عدالت انتقالی و پاسخ‌دهی طالبان در خصوص خشونت‌های خونین و دریافت امتیازات مادی و معنایی دیگر، طالبان را در خط سیاسی و امتیازگیری برجسته کرد. حالا که سرنوشت افغانستانی‌ها به دست هیأت گفت‌وگو گران صلح قرار گرفته، لازم است که این هیأت، لابی‌گران مجرب، تاریخ‌خواندهگان هوش‌مند، پژوهش‌گران مقاله‌دوست و شخصیت‌های اهل مطالعه در حوزه منازعه و صلح باشند تا در میدان صلح، به نفع مردم امتیازات شایسته‌ای کسب کنند. استفاده از مشورت دانشمندان، محققان و علمای دانشگاهی می‌تواند که آن‌ها را آماده‌ی گفت‌وگوهای نفس‌گیر و پیروزی در این رویداد تاریخی نماید.

۳) دوری از تضرّع و عاطفه:

در نشست‌های گذشته در مسکو که با رهبران طالبان از سوی هیأت‌های کابل صورت می‌گرفت، جلسات با فکاهه گفتن، مدیحه‌سرایی و با کاربرد جملات عاطفی، بی‌باوری نسبت به قابلیت، درایت و قاطعیت گفت‌وگوکنندهگان نزد مردم و کنشگران حوزه سیاست و دموکراسی ایجاد شد که آن‌چه ساده آید به دست، به ساده‌گی می‌رود ز دست.

همان گونه که طالبان، جمهوری اسلامی افغانستان را اداره کابل، دست‌نشانده و همواره از القاب و واژه‌های غلام و اجیر استفاده می‌کنند، برداشت‌های گروهی‌شان از اسلام را صریح و واضح بیان می‌کنند و در پس امارت‌طلبی‌شان ایستاده‌اند، نیاز است که هیأت گفت‌وگوکننده نیز طالبان را با درک دشمن واقعی سرزمین و مسوولیت تاریخی‌شان مدافع سرسختانهی نظام مشروع و انتخابی بوده و از تمایلات و برخوردهای عاطفی و زمزمه‌ی آهسته صلح و پایان جنگ دوری جوید. تیم، با درک این که دو دشمن با هم از جهت امتیازطلبی کنار هم نشسته، ادای مسوولیت کند. گریز از رسالت و سستی در اراده و قاطعیت باعث شکننده‌گی اوضاع و بی‌اعتمادی میان مردم خواهد گردید.

۴) دفاع از جمهوریت:

دفاع از ارزش‌های جمهوریت و مردم‌سالاری تنها با شعارپردازی و بیان چند کوتاهه بسنده نبوده که در برابر امارت‌طلبی به استدلال علمی، سیاسی و نیاز جهان امروزی دارد. از فرایندها و برآیندهای جمهوریت‌ها در جهان و کارایی این نوع نظام، به صورت بنیادی، مدلل و آگاهانه بحث شود. انتخابات برای تامین عدالت و رسیدن به قدرت را کارشناسانه و عالمانه به بررسی گرفت و آن را بهترین شیوه رقابت و کسب اعتبار ملی دانست. اگر بحث‌ها ژرف و علمی واکاوی نشود، با مواردی عجیب از سوی طالبان بر خواهیم خورد که امارت را برای دولتداری شیوه و گزینه مناسب خواهند شمرد که با کوتاه‌آمدن در برابر چنین درخواست‌ها، افغانستان در پرتگاه نابودی خواهد رفت.

۵) ملکی‌سازی طالبان:

نیک می‌دانیم که افغانستان از زمان جهاد در برابر شوروی سابق تا روی کار آمدن طالبان به گودال پر از سلاح و مهمات بدل گشته که بیش‌تر کشورهای حامی تروریسم و هراس‌افگنی، امکانات و تجهیزات فراوان را میان گروه‌های جهادی و طالبان توزیع کرده است.

پس از روی کار آمدن نظام نوین در کشور و سقوط امارت طالبانی، جامعه جهانی در تبانی با دولت گذشته، دست به جمع‌آوری و خلع سلاح مجاهدین زده و آن‌ها را به جامعه ملکی و غیر نظامی سوق دادند. یک بخش از شبه نظامیان جهادی در صفوف نیروهای امنیتی جذب و سلاح‌شان را ثبت و تحویل دولت کردند. رسمی‌سازی سلاح و خلع افراد غیر مسوول مایه دل‌گرمی و اعتماد مردم در داخل و خارج از کشور گردید. حالا نیز برای احیای باورمندی از بهر نرفتن دوباره طالبان به جبهه‌ی جنگ و شورشگری، مکانیسم گردآوری سلاح این گروه از مسایل جدی و قابل بحث است که تیم مذاکره‌کننده به آن توجه جدی مبذول دارد.

فقر و تنگ‌دستی، بی‌زمینی و بی‌اشتغالی از عوامل مهم در سلاح‌برداری شماری از طالبان بوده که دولت باید در مورد اشتغالزایی، گسترش حمایت‌ها از کشاورزی، جلب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت سکتور خصوصی برای استفاده از منابع انسانی سبب کاهش نرخ سربازگیری شده و باید اجندای اساسی دولت افغانستان را تشکیل دهد.

۶) کاهش در ارقام درشت مهاجران بیرون‌مرزی:

یکی از عوامل شکلدهی جریان‌های هراس‌افگنی، حضور بی‌سرنوشت میلیون‌ها شهروند به عنوان گروگان‌های بی‌کس است. بیش‌تر کسانی که در مدارس افراطی‌آموزی در آن‌سوی مرز جذب و سپس ابزار خشونت و انتحار واقع می‌شوند، مهاجران قابل دست‌رسی بوده که کار سازمان‌های استخباراتی را سهلتر کرده است.

کوتاهی و بی‌برنامه‌گی دولت‌ها در خصوص برگشتاندن مهاجران به کشور، باعث دوام خشونت و عدم تامین صلح دایمی در کشور شده است.

مهاجران منبع مناسب سربازگیری و تشکیل سازمان‌های ضد امنیتی بوده و با استفاده از فقر و مجبوریت‌های این کتله‌ی عظیم، سازمان‌های جاسوسی می‌تواند که عمق استراتژیک خویش در کشورها را تدوین و تامین نماید. غفلت و بی‌پروایی به وضعیت و آینده مهاجران، باعث بحرانی شدن اوضاع، نابودی حاکمیت و ثبات و ظهور جریان‌های خطرناک و رادیکال در آینده خواهد گردید.

به جا است که در فرجام به ترکیب هیأت گفت‌وگوکننده‌ی صلح نیز ایرادی وارد شود که؛ اعضای هیأت هم‌مانند سهم‌بندی قدرت، بین چهره‌ها و رهبران سیاسی و جهادی تقسیم شده است و شکی ایجاد کرده تا بتوانند نماینده‌گی شایسته و قاطعانه از قاطبه ملت افغانستان در برابر خواسته‌های طالبان داشته باشد.

---

۱۰۰ راه نرفته

رشد طبقه‌ی «تن‌آسا» در افغانستان

ناهید فرید

در سال ۱۸۰۷، هگل (ایده‌آلیست آلمانی) در کتاب فنومنولوژی روح (۱۸۰۷) گفتاری تحت عنوان «ارباب و بنده» مطرح کرد؛ روایتی که در آن هم ارباب و هم بنده قبل از این‌که به مرتبه اجتماعی خودشان تن بدهند، مبارزه‌ای طولانی را سپری می‌کنند و در انتهای مبارزه ارباب پیروز می‌شود ولی رقیبش را نمی‌کشد بلکه با تبدیل کردنش به بنده او را وادار می‌کند که ارباب بودنش را به رسمیت بشناسد. ارباب با این رویکرد خود نیز موجودیت بنده را به رسمیت می‌شناسد، حتا اگر او از نظرش بنده‌ای بیش نباشد. الکساندر کوژو (فیلسوف فرانسوی) هم بعدها این روایت را به عنوان یک مبارزه طبقاتی در جامعه تفسیر کرد و در نتیجه کارگر بدل به نیرویی انقلابی گشت.

در افغانستان فقر پدیده‌ای است شوم، ولی غیر قابل انکار. طبق جدیدترین گزارش مرکز آمار افغانستان (۲۰۱۹) نیمی از مردم زیر خط فقر زنده‌گی می‌کنند، آمار واقعی اما رقمی به مراتب بیش‌تر از این است. اگر داستان طبقاتی هگل را بپذیریم، یکی از عمده‌ترین دلایل بروز این وضع اقتصادی ناگوار، ارباب‌منشی گروهی آسوده‌پرور و سودمحور است که با داشتن نقش عمده در فساد دولتی و دست‌برد و شبیخون سیاسی بر خزانه‌ی ملی ثروت‌مند شده‌اند. حالا آن‌ها نه تنها حاضر به تغییر طبقه‌ی اجتماعی خودشان نیستند، بلکه در جهان‌بینی‌شان بنده نگه‌داشتن اکثریت، عامل اصلی حفظ جایگاه اقتصادی و سیاسی‌شان است؛ چنان‌که یعقوب لیث (بنیان‌گذار دودمان صفاریان) گفته بود، من اگر شکست بخورم باز هم همان نان و پیاز را دارم، اما اگر خلیفه شکست بخورد، قصر و بارگاه و ثروتش را از دست می‌دهد.

تورستین وبلن (اقتصاددان امریکایی) در قالب نظریه طبقه مرفه (۲۰۱۴) با ارایه تحلیلی مفصل از خصوصیات طبقه‌ای خاص از جامعه تحت عنوان «طبقه تن‌آسا»، نقش‌آفرینی در قدرت سیاسی، مصرف تظاهری و ضایع کردن نمایان ثروت که از جمله مظاهر مشخص منزلتی و اعتباری این طبقه است را توصیف می‌کند. وبلن طبقه‌ای را به معرفی می‌گیرد که نمونه‌ی بارز آن بعد از سرازیر شدن پول بی‌حساب (۲۰۰۲) در افغانستان به وجود آمد و مملکت را وابسته به اقتصاد «رانت خوار» کرد. این درآمد کاذب نه تنها به بی‌عدالتی اقتصادی دامن زد بلکه باعث ایجاد و رشد طبقه‌ی تن‌آسا در افغانستان شد؛ طبقه‌ای که برای این‌که در رقابت‌های اقتصادی میزان ارزش و منزلت خود را بالا ببرند، همواره مشغول خودنمایی و نمایش تفاخر خودشان توسط موترهای گران‌بها، سفرهای آن‌چنانی و مصارف گزاف هستند تا دیگران را در میدان مبارزه به زانو درآورند. گروهی، بدون این‌که اذعان کنند، این ثروت بادآورده را چگونه به دست آورده‌اند، کارگر و کار جسمی و بدنی را حقیر می‌شمرند. البته باید حساب دارایانی که در نتیجه‌ی تجارت‌های مشروع صاحب ثروت شده و همواره اخلاق اجتماعی خودشان را حفظ نموده‌اند را از این قافله جدا کرد.

شاید بزرگ‌ترین تناقض در یک نظام مبتنی بر سرمایه‌داری رسیدن به عدالت اقتصادی باشد. اما تحلیل‌گران طبقاتی برای غیر متمرکز کردن ثروت در دست طبقه‌ی تن‌آسا بین دو طبقه‌ی مرفه و نادار گروهی از مردم را تحت عنوان طبقه متوسط معرفی کردند که نه تنها در فعالیت‌های معیشتی در حد اعتدال به سر می‌برند بلکه از پوینده‌گی و توان خاص مبارزاتی برخوردار اند. از نقطه نظر گونه‌ی آرمانی ماکس وبر (اندیش‌مند آلمانی)، طبقه‌ی متوسط بسیار دینامیک و پویا است، چون از اوج محرومیت سر برآورده است، با تلاش و کوشش توانسته خودش را از چنگال فقر، بی‌سوادی، بیماری و ناتوانی برهانَد و زنده‌گی آبرومندی را برای خود و خانواده‌اش فراهم کند.

ایجاد طبقه‌ی متوسط رویای دیرین دولت‌داری است. ارسطو (فیلسوف یونانی) می‌گوید: «ایده‌آل‌ترین جامعه سیاسی آن است که فرمان در اختیار طبقه متوسط باشد.» امروز پس از قرن‌ها تحول اجتماعی هنوز هم اندیش‌مند معاصر فرانسیس فوکویاما در ستایش این طبقه در مقاله‌ای تحت نام «انقلاب طبقه متوسط» در نشریه وال‌استریت ژورنال (۲۰۱۳)، در پیوند به بهار عربی می‌گوید: «چون اعضای طبقه متوسط مالیات می‌پردازند، پس منافع مستقیم‌شان ایجاب می‌کند که برای پاسخ‌گویی دولت مبارزه کنند.» وقتی طبقه‌ی فقیر جامعه درگیر امرار معاش است و دغدغه‌ی سیاسی ندارد، انتظارات طبقه متوسط از دولت به اصلاحات اقتصادی و سیاسی می‌انجامد. به همین دلیل متفکرانی چون ساموئل هانتینگتون باورمند اند که به خاطر شکست جامعه در برآورده کردن انتظارات طبقه‌ی متوسط، «شکاف» بین واقعیت موجود اقتصادی و اجتماعی و انتظارات این طبقه، باعث سرخورده‌گی‌شان می‌شود و آن‌ها را به عامل تحولات و کنش‌گران سیاسی بدل می‌سازد.

افغانستان را طبقه‌ی متوسط متحول خواهد کرد. راهبرد حکمرانی برای ریشه کن کردن فقر در افغانستان باید منعطف به تبیین سیاست‌هایی باشد که به رشد این طبقه در افغانستان بینجامد؛ طبقه‌ای که دیگر روایت ارباب و بنده را قبول ندارد، بی‌عدالتی و رشد تن‌آسایان، که اغلب با فساد سیاسی به این‌جا رسیده‌اند را برنمی‌تابد و برای عدالت اجتماعی، پاسخ‌گویی و دست‌رسی یک‌سان جامعه به ثروت‌های ملی مبارزه می‌کند.

صبح ۸
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۳۹۶
سه‌شنبه
۲۴ سرطان ۱۳۹۹
۱۴ جولای ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

اندیشه طالبان بعد از صلح تغییر خواهد کرد؟

محمود پوپل، دکتر در رشته
حقوق جزا و جرم‌شناسی

در طول پنج سال حکومت طالبان، تعذیب و شکنجه به عنوان مجازات بخشی از ساختار نظام سیاسی و قضایی آنان بود و همواره بخشی از افراد جامعه، مورد تعذیب و شکنجه بی‌حدومرز آنان قرار می‌گرفتند. این بازتولید تعذیب در زمان طالبان، ناشی از قرائت ویژه‌ی آن‌ها از نظریه‌ی کیفری مذهب بود.

در طول پنج سال حکومت طالبان، تعذیب و شکنجه به عنوان مجازات بخشی از ساختار نظام سیاسی و قضایی آنان بود و همواره بخشی از افراد جامعه، مورد تعذیب و شکنجه بی‌حدومرز آنان قرار می‌گرفتند. این بازتولید تعذیب در زمان طالبان، ناشی از قرائت ویژه‌ی آن‌ها از نظریه‌ی کیفری مذهب بود. طالبان اشخاص منحصر به فرد بودند، آنان جز برداشت ویژه‌ای از اسلام، تفسیر دیگری را قبول نداشتند. تفسیر ویژه‌ی آن‌ها ملهم از عقاید سلفی، وهابی، دیوبندی و پشتونوالی بود. بزرگ‌ترین انحراف آنان در مورد امر بالمعروف و نهی از منکر بود. چنان‌که زنان از اکثر فعالیت‌های اجتماعی، حتا از رفتن به حمام عمومی و پوشیدن جوراب سفید منع شده بودند و نیز مردان موظف به داشتن ریش بلند و بستن عمامه بودند، حتا دعوای حقوقی شخصی را که ریش کوتاه داشت قابل سمع نمی‌دانستند. به هر صورت اگر شخصی از اطاعت دستورهای مسوولان امربالمعروف و نهی از منکر خودداری می‌نمود، مورد تعذیب بدنی قرار می‌گرفت، تا پیام اقتدارگرایی و مداخله‌گری بیش از حد خودشان را به افکار عمومی مخابره کنند و از این طریق باعث ارعاب سایر شهروندان شوند و نظم و امنیت مخصوصی را در جامعه برقرار کنند.

با این دیدگاه واپس‌گرایانه‌ی طالبان، می‌توان گفت که آنان در قرون اولیه قرار داشتند و از قافله جهان نوین فرسخ‌ها دور بودند و نیز ادبیات قدیمی مانند خلافت، امارت، بیعت، دارالافتا و... بیان‌گر تفکر سنتی آنان بوده که هیچ هم‌سویی با عصر جدید نداشت.

این اقتدارگرایی و مداخله‌گری در حقوق شهروندان در طول پنج سال، نه تنها که سبب ارعاب و اصلاح نگردید، بلکه شواهدی وجود دارد که در دو سال اخیر حکومت آنان جرایم افزایش پیدا یافت.

در حال حاضر این دغدغه در بین شهروندان به وجود آمده است که عقاید و باورهای طالبان پس از صلح، چگونه خواهد بود؟ آیا طالبان امروز، همان طالبان دیروز هستند؟ آیا دوباره زنان خانه‌نشین خواهند شد و در صورت خارج شدن از منزل مورد شکنجه و تعذیب قرار خواهند گرفت؟ آیا مردان دوباره به داشتن ریش و بستن لنگی مجبور خواهند شد و در صورت رعایت نکردن، زیر شلاق‌های مستبدانه طالبان قرار خواهند گرفت و ده‌ها سوال دیگر. با توجه به اقدامات اخیری که طالبان نشان داده‌اند، مانند لت‌وکوب دو خانم به خاطر نداشتن محرم در ولایت سرپل، یا لت‌وکوب تعدادی از جوانان به خاطر نداشتن ریش در ولایت فاریاب و...، این انگیزه را بیش‌تر تقویت می‌کند که طالبان امروز همان طالبان دیروز اند و هیچ تغییری در عقاید و باورهای‌شان پس از صلح ایجاد نخواهد شد و دست از تعذیب شهروندان به بهانه‌هایی مختلف بر نخواهند داشت.

بنا بر این راه‌حل‌های چیست؟

۱- طالبان به طور مداوم قانون اساسی فعلی و نظام حقوقی و سیاسی افغانستان را اسلامی ندانسته‌اند. چنانکه نماینده طالبان در جاهای مختلف به ویژه نشست مسکو تأکید به غیر اسلامی بودن، قانون اساسی افغانستان داشت. بنا بر این در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی از طالبان ضمانت معتبری اخذ شود که بر قانون اساسی و نظام سیاسی و حقوقی افغانستان احترام بگذارند.

۲- خواست و میل طالبان همواره این بوده که فعالیت‌های نظامی‌اش را نگه ندارند، اما در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی از طالبان تعهد گرفته شود که دست از فعالیت‌های نظامی بردارند. در غیر این صورت طالبان باز هم مردم را مجبور خواهند کرد که بدون وضو نماز بخوانند و ...

۳- در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی حقوق اساسی و آزادی‌ها شهروندان به صورت کلی و گذرا مورد بحث قرار نگیرد، بلکه باید بالای حقوق اساسی، حقوق زنان و دموکراتیک بودن دولت به صورت مفصل بحث شود. در غیر این صورت، هم‌مانند گذشته‌ها، شهروندان به ویژه زنان از بسیاری حقوق‌شان محروم خواهد شد.

۴- طالبان باید بپذیرند برداشت ویژه و خاص‌شان از اسلام دیگر در افغانستان قابل پذیرش نیست و در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی تعهد بدهند که سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری به ویژه قوانین جزایی فعلی دولت را بپذیرند.

۵- مهم‌ترین مورد این است که توافق صلح باید شامل خواست مردم در تمام عرصه‌ها باشد، هر چند خلاف میل و خواست طالبان باشد.

۶- در نهایت نقش زنان در گفت‌وگوهای بین‌الافغانی کم‌رنگ نباشد، در حالی‌که در جریان گفت‌وگوهای امریکا با طالبان به منظور امضای توافق‌نامه صلح، در دوحه پایتخت قطر بسیار کم‌رنگ بود.

سالانه چقدر عواید گمرک هرات حیف‌ومیل می‌شود؟

عبداللطیف مصمم

ولایت هرات در غرب کشور با داشتن بندرهای عایداتی، کارخانه‌های تولیدی در شهرک صنعتی و داشتن ظرفیت عظیم در ایجاد عواید از مسیر ترانسپورت جاده یکی از قطب‌های همیشه فعال اقتصاد کشور بوده است؛ چنان‌که سالانه ده‌ها میلیارد افغانی به بودجه کشور واریز می‌کند. تنها گمرک هرات سالانه بالای ۱۰ میلیارد افغانی به طور اوسط از درک محصول کالای وارداتی به کشور عواید دارد. چیزی که شدیداً قابل نگرانی و سوال است این است که در کشور فقیر و مصرفی مثل افغانستان که کاملاً وابسته به کمک‌های خارجی است مبلغ کلانی از عواید متوقعه گمرک هرات حیف‌ومیل می‌شود.

اگر مروری به عواید گمرک هرات به اساس آمار منتشره شده از سوی این نهاد و وزارت مالیه از سال ۱۳۹۰ به این طرف داشته باشیم سیر جمع‌آوری عواید گمرک هرات به شرح ذیل می‌باشد.

عواید گمرک هرات به تفکیک سال‌ها

شماره	سال مالی	عواید یک سال به افغانی
۱	۱۳۹۰	۱۶ میلیارد بیش از
۲	۱۳۹۱	در چهار ماه اول سال بیش از ۵ میلیارد
۳	۱۳۹۲	۱۳ میلیارد بیش از
۴	۱۳۹۳	بیش از ۹ میلیارد
۵	۱۳۹۴	بیش از ۱۲ میلیارد
۶	۱۳۹۵	در شش ماه اول سال بیش از ۱۲ میلیارد
۷	۱۳۹۶	بیش از ۲۰ میلیارد
۸	۱۳۹۷	بیش از ۲۰ میلیارد
۹	۱۳۹۸	بیش از ۱۶ میلیارد

این جدول نشان می‌دهد که گمرک هرات همه ساله به طور اوسط بالاتر از ۱۰ میلیارد افغانی عواید داشته است اما واقعیت مسلم این است که این ارقام میزان واقعی عواید نبوده و فساد بسیار گسترده و سازمان‌یافته‌ای توسط مسوولان، کارمندان و کمیشن‌کاران گمرک هرات در تبانی با مافیای محلی و مرکزی کشور صورت می‌گیرد.

اخیراً مسوول درجه‌یک گمرک هرات رقم عواید روزانه را طی روزهای متفاوت از برگه فیس‌بوک و توییترش چنین منتشر کرده است:

«به تاریخ ۱۴ مارچ سال جاری رقم بالغ بر ۱۳۷ میلیون افغانی در یک روز.

به تاریخ ۲۴ جون سال جاری عواید سه روز به این ارقام، دوشنبه ۱۰۴ میلیون، سه شنبه ۸۵ میلیون و چهارشنبه ۱۰۲ میلیون.

به تاریخ ۸ جولای سال جاری رقم بالغ بر ۱۱۹ میلیون افغانی در یک روز.

به تاریخ ۹ جولای سال جاری رقم بالغ بر ۱۲۲ میلیون افغانی در یک روز.»

اگر همین ارقام منتشره شش روزه را که تفاوت فاحش در سقف و کف و هم‌چنان سیر نزولی و صعودی آن نیز وجود دارد در فرمول اوسط‌گیری بندازیم اوسط عواید روزانه در یک سال مالی به دست می‌آید. رقمی بالغ بر ۱۱۱.۵ میلیون افغانی، اوسط عواید روزانه گمرک هرات می‌باشد.

۱۳۷+۱۰۴+۸۵+۱۰۲+۱۱۹+۱۲۲ =(۶۶۹)/۶=۱۱۱.۵

اگر بخواهیم مبلغ کل عواید یک سال را به دست بیاوریم باید روزهای رسمی کاری کشور را معلوم کنیم طبیعی است که تعداد روزهای یک سال ۳۶۵ است که در این بین ۵۲ روز را جمعه در بر می‌گیرد و اگر تعداد روزهای رخصتی‌های عمومی مانند عیدین، روز استقلال، روز محرم و غیره را حداکثر ۱۵ روز بگیریم، یک سال کاری دارایی ۲۹۸ روز رسمی می‌شود. حالا این تعداد روزهای کاری رسمی را ضرب مبلغ اوسط به دست آمده عواید روزانه بالا می‌کنیم.

۳۳.۲۲۷=۱۱۱.۵×۲۹۸

حاصل فرومول فوق نشان می‌دهد که عواید گمرک هرات به طور احتمالی باید رقمی بالغ بر از ۳۳ میلیارد و ۲۲۷ میلیون افغانی در ختم هر سال مالی به دست بدهد. اگر این عواید احتمالی را با عواید چند سال اخیر در جدول فوق که سالانه نُه میلیارد، ۱۲ میلیارد، ۱۶میلیارد و حتا ۲۰ میلیارد افغانی که رقم عواید به دست آمده یک‌سال می‌باشد، مقایسه کنیم متاسفانه مبلغ وحشت‌ناکی از عواید گمرک هرات که بیش‌تر از نیم مبلغ متوقعه می‌باشد حیف‌ومیل شده است. چه بسا اگر این مقایسه و برآورد را برای حداقل چند سال اخیر انجام دهیم اضافه از ده‌ها میلیارد افغانی از این مرجع عایداتی به جای واریز شدن به بودجه کشور به حساب مافیا و زورمندان ریخته شده است.

حتا همین رقم اوسط گرفته ۱۱۱ میلیون افغانی در روز هم نمی‌تواند نشان از ظرفیت واقعی تولید عواید در گمرک هرات باشد. چرا که همین اکنون حیف‌ومیل عواید به شیوه‌های بسیار سیستماتیک جریان دارد. بر بنیاد یک گزارش تحقیقی در سال جاری از گمرک هرات آمده است که در هر شبانه روز دست کم ۱۰۰ تا ۲۰۰ موتر اجناس تجارتی بدون محصول گمرکی و یا هم به نام اموالی که محصول آن‌ها ناچیز است با پرداخت رشوه در تبانی میان کمیشن‌کاران و مسوولان گمرک وارد شهر هرات می‌گردد.(پژواک)

گزارشی که مورد تایید مقام درجه‌یک محلی هرات نیز واقع شده است و وی نیز نگرانی‌اش را از حیف‌ومیل عواید گمرک هرات در ماه‌های اخیر نیز ابراز داشته است.

نویسنده مقاله بر این باور است که اگر تعیین افراد در ادارات عوایدی بر اساس سلیقه‌های سیاسی، حزبی، سمتی و فساد صورت نگیرد و صداقت، وطن‌دوستی، وجدان و اخلاق کاری در کار مسوولان ادارات عوایدی وجود داشته باشد و بر اساس یک مکانیسم شفاف، عواید جمع شود، درآمد روزانه تنها گمرک هرات بیش‌تر از ۲۰۰ میلیون افغانی در روز خواهد بود که این رقم در سال چیزی نزدیک به ۶۰ میلیارد افغانی خواهد شد.

حالا سوال این‌جا است که چرا حکومت در امر مبارزه با فساد و مفسدان اقدام جدی نمی‌کند؟ چی مصلحت‌ها و سازش‌ها در پس پرده با مفسدان وجود دارد؟ کی‌ها حامی و شریک مفسدین معلوم‌الحال ادارات عوایدی هستند؟ اداراتی مثل بازرس و تفتیش که از امتیازات کلان هم برخوردار اند، مصروف چی کاری هستند؟ از عهده حتا یک محاسبه ساده و یک تحقیق سطحی هم برنمی‌آیند تا از وضعیت اسف‌باری که در گمرک‌ها وجود دارد آگاه شوند و اقدام عملی نمایند؟

حکومت همیشه حرف از مبارزه جدی با مفسدین و مافیا زده است؛ چنان‌که با ایجاد اداره عالی بازرس و احیای اداره عالی تفتیش، هنوز هم فساد گسترده و سیستماتیک حتا در شهرهای درجه‌یک کشور که تحت حاکمیت کامل دولت است وجود دارد چه بسا در ولایات بندری که طالبان حضور دارند دامنه فساد چگونه باشد، حتماً باید چور ملی جریان داشته باشد.

با توجه به کاهش کمک‌های جامعه جهانی و قطع این کمک‌ها در سال‌های آینده، باید جلو فساد به صورت جدی گرفته شود، چرا که به اساس محاسبات صورت گرفته شده عواید گمرک‌های کشور می‌تواند جواب‌گوی بودجه عادی کشور باشد وگرنه کشور به سوی یک آینده خطرناک و نامعلوم خواهد رفت.

روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۳۹۶
سه‌شنبه
۲۴ سرطان ۱۳۹۹
۱۴ جولای ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

رحمانی در آزمون قانون‌مداری

عبیدالله حضرت‌زاده

مجلس نماینده‌گان به ریاست میررحمان رحمانی در آستانه‌ی دریافت فهرست نامزدوزیران قرار دارد. ممکن است که در آینده‌ی نزدیک، فهرست نامزدوزیران کابینه‌ی جدید از سوی رهبری حکومت برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نماینده‌گان معرفی شود. معرفی نامزدوزیران، مجلس نماینده‌گان را در آزمون قانون‌مداری قرار داده است. مجلسی که طی ۱۵ سال اخیر در هر دوره‌ی خود کارنامه درستی را به میراث نگذاشته است. اما مجلس جدید، فضای برخورد و رفتاری را با گذشته‌اش متمایز می‌سازد؛ نخستین تفاوت رفتاری مجلس کنونی با نامزدوزیران کابینه این است که آن‌چه اعضای سابق مجلس با نامزدوزیران رفتار کردند، عریان شده و شماری زیادی از اعضای مجلس به عنوان چهره‌های معامله‌گر در افکار عمومی معرفی شدند. این موضوع، آله فشار بر اعضای مجلس کنونی خواهد بود تا به نامزدان رأی اعتماد خواهند داد که قانون حکم می‌کند و زیر بار معامله قرار نخواهند گرفت. از جانب دیگر، رییس مجلس نماینده‌گان به عنوان فرد حاکم بر مجلس و به عنوان بازرگان مطرح، هرگز تن به تجارت سیاه نخواهد داد. آقای رحمانی، همان‌گونه که از شروع کارش در ریاست مجلس تأکید بر رعایت قانون و ارزش‌محوری کرده، باور دارد که این‌بار به کسانی رأی اعتماد خواهند داد که کابینه‌ی مجهز با شایسته‌گی و تخصص‌گرایی مبتنی بر قانون خواهد بود.

اگر در شرایط کنونی پارلمان را به خوبی ارزیابی کنیم، مشخصات و ویژه‌گی‌هایی را می‌بینیم که بر ماحول قانون می‌چرخد و این قانون است که حکم می‌کند دولت به عنوان نهاد خدمت‌رسان مسوول است تا امنیت، رفاه و آسایش را به ارمغان بیاورد. بنا بر این، نظامی‌گری و فکر اقتصادی رییس مجلس، در واقع، از ویژه‌گی‌هایی است که مجلس موجود را نسبت به مجلس پیشین، متمایز می‌سازد. رحمانی، مردی برآمده از دل نظامی‌گری است که او سالیان متمادی، دست‌آوردهایی در بخش‌های مختلف امنیتی از جمله وزارت دفاع به دست آورده است. در بخش اقتصادی، او زنده‌گی‌اش را با تجارت و سرمایه‌گذاری جهت‌های تازه‌تری بخشیده است. وی آهسته و پیوسته کار و پیکار کرد تا عضوی از مثلث دولت‌داری در افغانستان گردید. هر چند که او از آغاز نظام سیاسی تاکنون در افغانستان حضور داشته و در بخش‌های مختلف امنیتی، سیاسی و اقتصادی کار کرده است و اکنون

نیز، به عنوان فرد شماره سوم نظام سیاسی افغانستان، با تصویب و طی مراحل قوانین مختلف در جهت ثبات و رفاه این کشور از هیچ‌گونه سعی و تلاشی دریغ نورزید. رییس مجلس نماینده‌گان به حیث بازرگان مطرح و شناخته‌شده‌ی کشور، همواره سعی کرده تا فاصله‌ی نزدیک میان حکومت و مردم ایجاد کند و دولت را به عنوان نهاد پاسخ‌گو قرار دهد.

مردم افغانستان در دو دهه پسین بنا بر دلایلی شماری سیاست‌مداران رده اول و دوم را متهم به اختلاس و به حیف‌ومیل دارای عامه می‌کردند، که بعد از تقررشان در پست‌ها و منصب‌های بلندتری در جریان کم‌تر از چند سالی به پول و سرمایه هنگفتی می‌رسیدند، که بعدش فرار را بر قرار ترجیح داده پناهنده می‌شوند. در این میان شماری از شخصیت‌های سیاسی را نیز داریم که با صداقت و متانت در پیش‌برد وظیفه محوله‌شان فایق آمده‌اند و گام‌به‌گام در کنار مردم در جهت برآورده شدن خواست‌های‌شان، مبارزه کردند.

میررحمان رحمانی چهره‌ای که از منظر قانونی و از مجرای اصولی به تجارت مبادرت ورزیده است، شرایط پیش آمده، افغانستان وی را با انتباه از تجارب نظامی‌گری و تجارت‌پیشه‌گی آهسته و آرام به دنیای سیاست افغانستان کشانده است. قبلاً میررحمان رحمانی به عنوان رییس شورای اجتماعی مردم بگرام کار کرده و در صفوف اردوی ملی تا درجه جنرالی رسیده است.

آقای رحمانی رییس اتاق تجارت و صنایع ولایت پروان، نماینده مردم ولایت پروان در دوره شانزدهم و عضو کمیسیون اقتصاد ملی و عضو گروه دوستی افغانستان و عربستان نیز بوده است فعالیت‌های آقای رحمانی در ولایت پروان و سایر نقاط در شمالی بزرگ و سراسر افغانستان غیر قابل چشم‌پوشی و انکارناپذیر می‌باشد. بدون شک با چنین گذشته و کارنامه‌ای می‌تواند در کرسی ریاست پارلمان کشور نیز خوب بدرخشد و مفید واقع گردد. چند ویژه‌گی رحمانی را در این‌جا مطرح نموده و چند خواست اساسی را بیان می‌کنم:

رحمانی به نسبت داشتن سرمایه کافی و تجارت، دست به هیچ معامله نخواهد برد، در استیضاح و رای اعتماد به وزیران کشور گام‌های رسا، حساب شده و اصول‌مند خواهد برداشت.

رحمانی در تصویب و اتخاذ برنامه‌های انکشافی و اقتصادی، بودجه دولتی و اجازه اخذ اعطای قرضه با کوله باری از تجارب و اندوخته می‌باشد که قطعاً مفید واقع می‌شود.

او جامع و ملی می‌اندیشد و بر ضد نفاق و قوم‌گرایی در داخل مجلس و بیرون از آن ایستاده است.

رهبری مجلس نماینده‌گان در ریشه‌کن‌سازی فقر و بی‌کاری در افغانستان از طریق تصویب قوانین و نیز پاسخ‌گو کردن وزیران، نقش برازنده و اساسی خواهد داشت.

رحمانی با مافیا و کارتل‌های داخلی و خارجی روابط و سر سازگاری ندارد و این نکته می‌تواند امید تازه‌ای برای مجمع بازرگانان و تجارت ملی بدهد.

با این همه، در کنار چینش این ویژه‌گی‌ها، افکار عمومی از ریاست مجلس نماینده‌گان نیز انتظار دارند که در ایجاد کابینه کارا و متعهد، سعی و تلاش همه‌جانبه کند تا کسانی در کابینه وارد شوند که قانون حکم می‌کند. افراد متعهد، کارا و شایسته از جمله احکام قانون است که باید مجلس نماینده‌گان با دقت کامل با آن برخورد کند، وجود افراد تک‌تابعیتی، نیز بحث مهم در افکار عمومی است و مردم کسانی را به خیر خود و این کشور می‌دانند که فقط به افغانستان واحد تعلق دارند.

این کشور از کلان‌ترین زخمی که رنج می‌برد همانا زخم ناسور قوم‌گرایی و کهنه‌فکری است. این درست است که مجلس جای قانون‌گذاری است و رحمانی هم در این قسمت بی‌تجربه نیست، اما ما در پست‌های اصلی قدرت هم‌چو ریاست‌جمهوری و ریاست پارلمان نخست از هر چیزی به شخصیت‌های ملی‌گرا نیاز داریم؛ کسانی که اندیشه‌ی زشت قومی نداشته باشند. فقط در این صورت امکان آن وجود خواهد داشت که این کشور از چنگ هیولای نژادپرسی و عقب‌گرایی آزاد گردد و این ملت امید از دست رفته‌اش ر ا باز یابد.

افغانستان کشوری به سوی ثبات و در حال گذار است که سخت به شخصیت‌های ملی‌گرا، کوشا و با برنامه نیازمند می‌باشد. میررحمان رحمانی فرزند صلح‌پسند، متین و شجاع این کشور بوده و عزم راسخی برای از بین بردن بی‌ثباتی، فساد و تبعیض دارد و به خوبی دیده می‌شود که در جهت توسعه و ترقی کشور و نظارت از عمل‌کردهای قوه‌ی اجرایی دولت و حمایت از حق رأی و مردم‌سالاری سعی و تلاش فراوان دارد.

میررحمان رحمانی در دوره هفدهم مجلس نماینده‌گان، در رأی‌گیری درون مجلس که در هشتم سرطان برگزار شده بود به عنوان رییس انتخاب شد. پس از آن‌که سه بار رأی‌گیری میان چند نامزد برای انتخاب رییس مجلس افغانستان به نتیجه نرسید، وی به همراه خان‌محمد وردک به رقابت پرداخت و توانست با کسب ۱۳۶ رأی در برابر ۹۶ رأی به پیروزی دست یابد.

آفت‌های طبیعی، بلای جان زمین‌های کشاورزی در غور

محمدحسین نیک‌خواه

چندی پیش هجوم گسترده ملخ و موریانه‌ها بر زمین‌های کشاورزی در ولایت غور، نگرانی کشاورزان این ولایت را در پی داشت، با گذشت حدود یک‌ماه از هجوم ملخ‌ها، بروز آفت کرم در زمین‌های کشاورزی در بخش‌هایی از این ولایت آسیب رساند.

ولسوالی لعل‌وسرجنگل، از مناطقی که بیش‌ترین محصولات کچالوی غور در آن کشت می‌شود، طی روزهای گذشته با آفت کرم دست‌به‌گریبان شده است. کشاورزان غوری بروز آفت و هجوم حشرات را سبب نابودی فرآورده‌های کشاورزی و کاهش برداشت محصول می‌دانند.

آنان از بی‌پروایی حکومت محلی و ریاست زراعت، برای مهار آفت‌ها انتقاد دارند و عمل‌کرد مقام‌های محلی را در این مورد، قابل پذیرش نمی‌دانند. ریاست زراعت غور تأکید دارد، تاکنون شکایت کتبی از سوی کشاورزان مبنی بر بروز آفت به این نهاد صورت نگرفته، اما هجوم ملخ‌ها مهار شده است.

نگرانی از آفت‌های پی هم

کشاورزان ولسوالی لعل‌وسرجنگل ولایت غور، ادعا دارند به تازه‌گی آفت کرم به کشت‌زارهای کچالو در این منطقه آسیب رسانده است. معلوماتی که در اختیار روزنامه ۸صبح قرارگرفته نشان می‌دهد، دهقانان برای دفع کرم، از نوعی پودر سفیدرنگ استفاده کرده‌اند، اما این اقدام نتیجه‌ای نداشته است.

در جریان سال روان خورشیدی، این نخستین آفت برای کشاورزان غوری نیست، حدود یک‌ماه پیش هجوم موریانه و ملخ‌های مهاجر به مزرعه‌های کشاورزی در این ولایت، شمار زیادی از کشاورزان را زیان‌مند کرد.

مهدی، از کشاورزان ولسوالی لعل‌وسرجنگل ولایت غور، در صحبت با ۸صبح از بروز آفت به زمین‌های کشاورزی ابراز نگرانی می‌کند و می‌افزاید، زمین‌های زیادی به دلیل آفت‌های نباتی محصولات‌شان از بین رفته است.

او تأکید دارد، ریاست زراعت ولایت غور تاکنون اقدامی برای مهار آفت کرم و پشتی‌بانی از کشاورزان آسیب دیده نکرده است و امسال بخش زیادی از فرآورده‌های کشاورزی به ویژه کچالو، تلف خواهد شد.

کشاورزان در آغاز سال هر کیلو گرام تخم کچالو را ۳۰ افغانی از بازار خریداری می‌کنند، به دلیل برف‌باری‌های سنگین، بیش‌تر مردم مواد خوراکی مورد نیاز در زمستان را، پیش از فرا رسیدن فصل سرما ذخیره می‌کنند.

کچالو از مواد خوراکی پرمصرف برای ساکنان ولسوالی‌ها است، اما پیش از رسیدن فصل سرما و برداشت محصول، کشت‌زارهای آن خوراک کرم‌ها شده است و به نظر می‌رسد سفره کشاورزان غوری امسال خالی بماند.

انتقاد کشاورزان از بی‌پروایی حکومت

کشاورزان غوری از بی‌پروایی ریاست زراعت برای مهار آفت‌های گوناگون در این ولایت انتقاد دارند. آنان ادعا می‌کنند که تاکنون هیچ کاری از سوی حکومت، برای مهار آفت کرم در ولسوالی لعل‌وسرجنگل نشده است.

ابراهیم، از کشاورزان سابقه‌دار غور، بر این باور است که ریاست زراعت و مقام‌های محلی باید هنگام بروز آفت، زمین‌های کشاورزی را بررسی و اجازه ندهند به کشت‌زارها و محصولات آسیب برسد.

به گفته‌ی او، تمام کارمندان و کارشناسان ریاست زراعت غور، ساکنان بخش‌های گوناگون این ولایت هستند و از بروز آفت به مزرعه‌ها در زودترین فرصت خبردار می‌شوند، اما نباید منتظر بمانند تا کشاورزان بروز آفت به زمین‌های کشاورزی را گزارش دهند.

لطیف، یکی دیگر از کشاورزان غوری باور دارد، هجوم ملخ‌ها و بروز آفت به زمین‌های کشاورزی در جریان همه‌گیری ویروس کرونا و مشکلات اقتصادی ناشی از آن، برای ساکنان این ولایت زیان بزرگ اقتصادی وارد کرده است.

وزیر نورانی، فعال مدنی در غور، به روزنامه ۸صبح می‌گوید مشکلات به میان آمده در بخش کشاورزی، سبب نگرانی ساکنان آن شده و اگر اقدامی برای پشتی‌بانی از دهقانان صورت نگیرد، ممکن است پی‌آمدهای ناگواری به دنبال داشته باشد.

برخی ساکنان غور ادعا دارند، بودجه وزارت زراعت در این ولایت به گونه‌ی درست مصرف نمی‌شود و ناکارآمدی برخی مسوولان و کارشناسان ریاست زراعت، در روزهایی که کشاورزان نیازمند پشتی‌بانی و همکاری حکومت هستند، آشکار می‌شود.

واکنش ریاست زراعت غور

مقام‌های ریاست زراعت و مال‌داری ولایت غور ادعا دارند، که تا کنون شکایتی در پیوند به بروز آفت به محصولات کشاورزی در ولسوالی لعل‌وسرجنگل و دیگر بخش‌های این ولایت، از سوی کشاورزان مطرح نشده است.

بلال امیری، مدیر ترویج زراعتی ریاست زراعت غور، در صحبت با ۸صبح می‌گوید کشاورزان باید در هنگام بروز آفت، مقام‌های ریاست زراعت را در جریان بگذارند و درخواست کتبی برای دریافت خدمات بدهند.

به گفته‌ی او، استفاده خودسر کشاورزان از دواهای زراعتی بدون مشورت با کارشناسان ریاست زراعت، می‌تواند پی‌آمدهای بدی برای برداشت محصول داشته باشد و مسوول عواقب ناگوار آن، کشاورزان استفاده‌کننده‌ی این داروها هستند.

آقای امیری می‌افزاید، چندی پیش به دنبال حمله‌ور شدن ملخ‌های مهاجر به کشت‌زارها، ریاست زراعت برای مهار آن اقدام کرد و تا حدی از وارد شدن خسارت به کشاورزان پیش‌گیری شد، اما در مورد آفت کچالو در ولسوالی لعل‌وسرجنگل، شکایتی درج نشده است.

غور از ولایت‌های سردسیر و کوهستانی کشور است، اما شمار زیادی از ساکنان آن سرگرم کشاورزی و مال‌داری هستند و اقتصاد آن وابسته‌گی زیادی به مال‌داری کشاورزی دارد. محصولات کچالو و دیگر فرآورده‌های غور، به ولایت‌هایی هم‌چون کابل و هرات ارسال می‌شود و بخشی از آن در بازار شهر فیروزکوه، مرکز ولایت فروخته می‌شود.

با این وصف، هجوم موریانه و ملخ و بروز آفت کرم، زنگ خطر را برای کشاورزان این ولایت به صدا درآورده و بیم آن می‌رود که امسال نسبت به سال‌های گذشته برداشت محصولات کشاورزی در غور کاهش یابد.

۸صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۳۹۶
سه‌شنبه
۲۴ سرطان ۱۳۹۹
۱۴ جولای ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

روزهای سخت کرونایی

روایتی از دوازده روز حضور در شفاخانه جناح

اکبر رستمی، سخنگوی وزارت زراعت، آبیاری و مالداری

هر چند پس از شیوع بیماری کرونا در هرات و سپس در کابل با در نظر داشت توصیه‌های بهداشتی وزارت صحت عامه، تدابیر جدی پیش‌گیرانه داشتیم، اما با آن‌هم اکثریت اعضای خانواده به تدریج و ناخواسته به دام بیماری کرونا گرفتار شدند و سخت‌ترین روزها را سپری کردند.

از روزهای نخست شیوع کرونا نگران جدی شماری از اعضای خانواده بودم که مشکلات تنفسی و جانبی داشتند. با وجود تدابیر جدی حدود یک‌ماه پیش، خارش گلو پیدا کردم و فردای آن روز علایمی مانند تب شدید، جان‌درد، سردرد، پای‌درد، سرفه و ریزش پیدا شد. دردهای بی‌پیشینه را به ویژه طی سه شب سپری کردم. دقیقاً با توجه به علایم می‌دانستم که به کرونا مبتلا شدم، ولی در یک اتاق با روحیه بلند با مشورت پزشک، با این بیماری مبارزه کردم.

سه روز با مشکل تنفسی برای یک تا دو ساعت مواجه شدم. شماری از داکتران مشورت دادند که باید به شفاخانه جناح یا افغان جاپان مراجعه کنم، ولی با روحیه بلند و مشوره‌های داکتران در خانه مبارزه کردم، تا فرصت بیش‌تر در شفاخانه‌ها برای بیماران که مشکلات جدی جانبی دارند مساعد باشد.

با وجودی که صددرصد در یک اتاق قرنطین بودم و با هیچ عضوی از خانواده در تماس نبودم، اما پس از ۱۳ روز به تدریج خانم و نُه عضو دیگر خانواده به شمول پدر (مشکل جدی تنفسی دارد) و مادر به این بیماری مبتلا شدند.

با توجه به این‌که ریه (شش) مهم‌ترین اندام دستگاه تنفسی در بدن انسان است و از آغاز شروع این اپیدمی در شماری از کشورها و سپس در افغانستان تبلیغات می‌شد که تنها بیمارانی تلف می‌شوند که مسن‌اند و دارای مشکلات تنفسی، قلب، شکر و... اند. به همین دلیل و با داشتن مشکلات جدی تنفسی پدر نگران بودیم که در صورت مبتلا شدن از او در خانه مراقبت کنیم یا شفاخانه؟

عدم رسیده‌گی به بیماران مشکوک در شفاخانه‌های خصوصی

او را در روز دوم مریضی طبق مشورت شماری از داکتران برای انجام معاینات شش به شفاخانه آریانا طبی کمپلکس انتقال دادیم. علی‌رغم تبلیغات رسانه‌ای مبنی بر مجهز بودن و داشتن امکانات و کادر درمانی مسلکی در این شفاخانه؛ اما متاسفانه احساس مسوولیت نسبت به بیماران وجود ندارد. وقتی که مشکل بیمار را در بخش عاجل مطرح کردم هیچ کسی مسوولیت نمی‌گرفت و راهنمایی نمی‌کرد تا معاینات او انجام شود. متاسفانه پس از ساعاتی «رادیوگرافی شش» انجام شد، ولی نه تنها که داکتر متخصص از معاینه کردن بیمار و دیدن معاینات خودداری کرد، هیچ کسی نیز راهنمایی نمی‌کرد که با بیمار چه کنیم؟ و سرانجام باید به کدام شفاخانه انتقال بدهیم؟

مجبور شدم که بیمار را به شفاخانه امام زمان در دشت برچی با شناختی که با یکی از داکتران بود، انتقال دهم. داکتر موظف این شفاخانه مشورت داد که با داشتن بالون‌های اکسیجن از او در خانه مراقبت کنیم و در صورت وخیم شدن وضعیت باید عاجل به شفاخانه‌ی افغان جاپان یا محمدعلی جناح بستری شود.

ظاهراً به دلیل کمبود اکسیجن کافی، کمبود کادر پزشکی و سایر مشکلات، نمی‌خواستیم مریض را در یکی از شفاخانه‌های دولتی کووید-۱۹ بستری کنیم.

در جریان روز سوم اکسیجن مریض در خون به پایین‌تر از ۷۰ رسید و هر لحظه با وجود دردی شدید که داشت تنفس کردن هم برایش سخت می‌شد. می‌خواستیم بالون‌های اکسیجن بیش‌تر تدارک کنیم و از مریض در خانه مراقبت جدی کنیم، اما هیچ نتیجه‌ای در قبال نداشت و مریض به حالت کما رسید.

سر انجام به شفاخانه جناح در دشت برچی انتقالش دادیم.

به محض وارد شدن به دروازه‌ای که بخش عاجل به آن منتهی است با سروصدای پایوازان و شماری از زنان و مردان مواجه شدیم.

در یک دهلیز و با فاصله ۱۰ متری بخش عاجل، محل درگذشته‌گان ناشی از کرونا وجود داشت. هر بیماری که وفات می‌کند، آن را از تمام بخش‌های این شفاخانه به این بخش ورودی عمومی انتقال می‌دهند تا بسته‌گان بتوانند جنازه را تسلیم شوند. این در حالی است که مبارزه با بیماری کرونا از همه بیش‌تر به روحیه بلند نیاز دارد. بیماران تازه ورود، پایوازان و مراجعان، همه از یک مسیر (محل اجساد) رفت‌وآمد می‌کنند. نیاز است که این محل به دیگر بخش شفاخانه و به خاطر حفظ روحیه‌ی بیماران، دور از انظار عمومی و بیماران باشد.

به هر حال تلاش می‌کردیم تا مریض متوجه سروصدا نشود. پس از یک ساعت بررسی عمومی وضعیت مریض، داکتران بخش عاجل هدایت دادند تا در بخش بیماران مشکوک به کرونا برای چند روز بستری شود. به قول داکتر محب بارکزی رییس شفاخانه جناح، این شفاخانه با داشتن اتاق‌های کافی و محل بزرگ در حال حاضر ظرفیت ۲۰۰ بستر را دارد و در صورت نیاز امکان افزایش ظرفیت آن تا ۴۰۰ بستر می‌رود.

کادر درمانی این شفاخانه در بخش‌های مختلف از جمله بخش بیماران مشکوک به کرونا، بیمارانی که تست‌شان مثبت است و اختصاص بخش مراقبت‌های ویژه از بیماران مراقبت می‌کنند.

تعدد پایوازان و ایجاد سروصدا در شفاخانه

به محض رسیدن به اتاق مشکوک به اندازه ۴.۶ متر، سه بیمار دیگر نیز بستری بودند. حدود هفت پایواز از سه مریض در یک اتاق مراقبت می‌کردند. بدون شک بیماران به فضای آرام نیاز دارند و موجودیت پایوازان زیاد باعث سروصدا و ایجاد مزاحمت برای بیماران دیگر می‌گردد.

داکتران و پرسونل صحی ۲۴ ساعت در هر بخش وجود داشت که به صورت یک‌سان به تمام بیماران رسیده‌گی می‌کنند.

ضمن که بر اساس نوبت و تقسیم اوقات کادر درمانی در زمان‌های مختلف جویای احوال بیماران می‌شدند؛ هر زمانی که موجودیت‌شان احساس می‌شد بدون تاخیر به مریض رسیده‌گی می‌کردند.

یک تیم تطبیق‌کننده شامل نرس‌ها نیز دوبار در جریان شب و روز به شکل منظم از بهر راهنمایی بیمار و پایواز برای گرفتن دوا، تزریق پیچ‌کاری، سیروم و سایر ادویه مورد نیاز به بیماران رسیده‌گی می‌کنند.

اکسیجن؛ دغدغه بیماران و داکتران

اما مشکل جدی شفاخانه جناح به خصوص سه هفته پیش از امروز مدیریت اکسیجن بود. برخی روزها و شب‌ها اکسیجن در اکثریت بخش‌ها تمام می‌شد. مسوولان این شفاخانه به پایوازان اطمینان می‌دادند که بیماران هرگز با نبود اکسیجن مواجه نخواهند شد، اما ظاهراً در جریان هفته سوم و چهارم جوزا در ۲۴ ساعت روزانه تا ۲۴ مریض نیز جان‌های‌شان را از دست می‌دادند.

شماری نبود اکسیجن و رسیده‌گی نشدن درست توسط داکتران و کادر درمانی را دلیل وفات بیماران‌شان می‌دانستند. در شفاخانه جناح نه تنها بیماران از کابل بلکه روزانه بیماران کرونا از ولایت‌های مختلف برای بستری به این شفاخانه مراجعه می‌کردند/می‌کنند. متاسفانه شماری از بیمارانی که وضعیت وخیم داشتند، مجبور می‌شدند که بنا بر نبود امکانات از ولایت‌های دور دست به شفاخانه جناح مراجعه کنند. شماری از آنان با طی ساعت‌ها فاصله و بدون اکسیجن یا در جریان راه جان‌های‌شان را از دست می‌دادند و یا تا رسیدن به شفاخانه در وضعیت وخیمی قرار می‌گرفتند. شماری از داکتران نیز انتقاد می‌کردند که در توجه به بیماران کرونایی غفلت صورت می‌گیرد و تا وضعیت بیمار وخیم نشود، به شفاخانه مراجعه نمی‌کنند، چنان‌که شماری از داکتران از وضعیت بد پدرم نیز شاکی بودند که چرا زودتر اقدام نشده است.

نظارت جدی از ارایه خدمات

از میان مسوولان وزارت صحت عامه، داکتر وحید مجروح معین عرضه خدمات این وزارت به صورت منظم هر سه روز بعد از شفاخانه جناح بازدید می‌کرد و جویای احوال مریضان می‌شد. من که شاهد صحنه بودم، شماری از داکتران از پرداخت نشدن معاش و پایوازان و بیماران از کمبود بالون‌های اکسیجن، مشکلات در ارایه خدمات و ادویه شکایت می‌کردند. آقای مجروح وقت می‌گذاشت و تعهد همکاری و مشکل را تا حدی زیاد، جدی پی‌گیری می‌کرد.

آقای مجروح نسخه‌ها و دواهای بیماران را نیز بررسی می‌کرد تا مطمین شود که از دواهای موجود شفاخانه برای بیماران استفاده می‌شود. با وجود برخی از مشکلات، اما کادر درمانی به وضعیت بیماران رسیده‌گی به موقع می‌کردند.

با این حال، یکی از مشکلات جدی در بخش عرضه اکسیجن در کنار نبود مدیریت درست، خلق مشکل توسط پایوازان بود. شماری از بیماران دو تا پنج پایواز داشتند. آنان از ترس نبود اکسیجن و تلف شدن بیمارشان تلاش می‌کردند که با رسیدن موترهای بالون اکسیجن الی پنج بالون را برای یک بیمار انتقال بدهند. شماری متاسفانه بالون‌های اضافی اکسیجن را در تشناب‌ها و دهلیزها پنهان و تا ختم بالون اکسیجن نصب شده از آن نگهداری می‌کردند. در حالی که شماری از بیماران برخی اوقات ساعت‌ها با کمبود اکسیجن مواجه می‌شدند. برخی روزها پایوازان به خاطر اکسیجن با هم به درگیری فزیکی نیز می‌پرداختند.

اما خوش‌بختانه پس از یک هفته، آقای مجروح و مسوولان این شفاخانه این مشکل را به گونه جدی حل کردند. از هفته آخر جوزا مسوولان شفاخانه انتقال بالون‌های اکسیجن و توزیع آن را به بیماران توسط کارگران خود آغاز کردند، کاری که باید همیشه صورت بگیرد.

در جریان ۱۲ روز شاهد آن بودم که روزانه وفیات کاهش و بیماران بیش‌تر نیز شفایاب شده و شفاخانه را ترک می‌کردند. طی دوازده روز، در یک اتاق شاهد بستری شدن حدود ۱۰ بیمار بودم و به جز یک تن، بقیه به شمول پدرم صحت‌مند و مرخص شدند.

عدم نظارت از دواخانه‌ها و تقلب در لابراتوارها

با وجودی که اکثریت ادویه، نیازهای بیماران و آزمایش‌ها از طریق شفاخانه جناح تامین و اجرا می‌شود، اما به دلیل نبود نظارت، حتا بهای یک پاکت پرستامول در دواخانه مقابل شفاخانه جناح دو برابر بیش‌تر از سایر دوافروشی‌ها است.

متاسفانه این مشکل جدی در شفاخانه‌های خصوصی و معاینه‌خانه‌ها نیز وجود دارد که دوافروشان در نبود نظارت طبق خواست‌های‌شان عمل می‌کنند.

در کنار دواخانه‌ها، شماری از آزمایش‌گاه‌ها و لابراتوارها نیز در انجام آزمایش‌ها تقلب کرده و مردم را فریب می‌دهند.

بر اساس سفارش داکتر موظف طی دوازده روز، ۱۴ آزمایش لابراتواری بیمار را که شفاخانه جناح ظرفیت آزمایش آن را نداشت در یکی از لابراتوارهای مقابل شفاخانه انجام دادم. در سوم سرطان یک آزمایش خون به نام «D dimer» در یکی از لابراتوارهای مقابل درب ورودی شفاخانه جناح صورت گرفت که نتیجه‌ی آن برای داکتر موظف با توجه به معاینات یک روز قبل آن غیرقابل قبول بود. برای مشخص شدن آزمایش درست مجبور شدم که به یکی از شفاخانه‌های معتبر خصوصی مراجعه کنم و دوباره معاینات مشابه را در همان روز (سوم جوزا) انجام دهم که تفاوت اساسی در آزمایش وجود داشت. پس از تکمیل آزمایش‌ها و معاینات، داکتران ادویه تجویز می‌کردند؛ اما تقلب در آزمایش لابراتواری می‌تواند برای یک بیمار فاجعه خلق کند. امیدوارم به این مشکل جدی‌ای شماری از لابراتوارها که تکنولوژی مدرن یا استفاده از آن را در اختیار ندارند و با جان مردم بازی می‌کنند، رسیده‌گی جدی صورت بگیرد.

در نهایت این اپیدمی در کابل و شماری از ولایت‌های دیگر به بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین چالش بدل شده و قطعاً در حال حاضر بزرگ‌ترین امید همه، بازگشت به زنده‌گی عادی است.

در پایان می‌خواهم بیفزایم که به منظور قدردانی و انگیزه‌بخشی به داکتران، پرستاران و کلیه‌ی فعالان عرصه‌ی صحت که در حفاظت از جان بیماران می‌کوشند، باید مردم، و به ویژه فعالان و نهادهای مدنی، از داکتران و پرستاران در این بخش پشتی‌بانی کنند، مشکلات آنان را دریابند و در ایجاد خاطرجمعی ذهنی و انگیزه‌افرینی به آنان بکوشند، زیرا ممکن است زمان‌های بیش‌تری در مقابله با این ویروس سپری شود و پشتی‌بانی همه‌گانی از فعالان سکتور صحت، به ارایه‌ی خدمات مستمر و با انگیزه‌ی صحی و نجات جان افراد بیش‌تر از چنگال این بیماری، منجر می‌شود.

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Sanjar Sohail
sanjarsohail@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

۸صبح
روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسوول: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
معاون مدیرمسوول: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com
خبرنگاران: خلیل اسیر، علی‌شاه حقمل، عبدالاحمد حسینی، حسیب بهش، سیدحسن حسینی و محمدحسین نیک‌خواه
ویراستار: علی نظری، س.نوین

صفحه آرایی: رضا مرادی و عبدالواسع
مسوول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت
ویدیو: حسن آذرمهر
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Hasht e Subh Daily
8 am.af
Yesterday's Narrative | Today's Mirror | Tomorrow's Hope

13th Year ◇ No: 3396 ◇ Tuesday ◇ 14 July, 2020 ◇ Price: 20 Afs

پیام‌های ترس‌برانگیز کرونایی:

مخاطبان را بترسانیم یا نترسانیم؟

عبدالوهاب صدیقی، استاد دانشگاه هرات

جمله‌های بعدی را بخوانید اما نترسید: متأسفانه پسر خاله‌ام به اثر بیماری کرونا درگذشت. امروز ۱۲۵ هزار تن در جهان به کووید-۱۹ دچار شدند. سازمان بهداشت جهانی، استفاده از ماسک را در مکان‌های عمومی توصیه کرد. حدود ۶۰ درصد از کارمندان صحی در هرات، کرونایی شدند. در حال آماده کردن دشت‌ها به قبرستان استیم.

این جمله‌ها مثال‌هایی از هزاران نمونه پیامی است که روزانه از سوی رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی برای گیرنده‌گان پیام فرستاده می‌شوند.

آن‌چه این روزها در رسانه‌های گروهی به ویژه شبکه‌های اجتماعی گواه آنیم، - گاه خودآگاه و گاه ناخودآگاه- القای ترس و وحشت بر افکار مخاطبان و کاربران از بیماری کرونا (کووید-۱۹) است. پرسشی که در این نوشته در پی پاسخ به آن استیم این است: ایجاد ترس از کووید-۱۹ میان گیرنده‌گان پیام‌ها راه کار مناسبی به منظور ایجاد ذهنیت وجود بحران برای اقناع و تغییر رفتار مطلوب بهداشتی است؟

هنگامی که بحرانی پدید می‌آید ادراک آدمی فعال می‌شود تا برابر آن واکنشی متناسب نشان دهد. در گام نخست نیاز است تا ذی‌نفعان به وجود و شدت خطر آن بحران باور کنند تا در پرتو این ذهنیت و پذیرش واقعیت بحران، برای گذر از آن راه کارهای مناسب روی دست گیرند. برای شکل‌گیری این باور، رسانه‌ها نقش کلیدی بازی می‌کنند.

اما ترس چیست و آیا گیرنده‌گان پیام را باید ترساند؟

ترس احساسی است که منجر به برانگیخته‌گی فیزلوژیک می‌شود و زمانی اتفاق می‌افتد که تهدیدی بالقوه در پیام برای فرد متصور باشد. تقریباً بسیاری از دانشمندان ارتباطات بحران و پژوهش‌گران این عرصه، معتقد اند که پیام‌های ترس‌برانگیز پیام‌هایی اقناعی‌اند که مخاطبان وجود بحران را باور کنند، شدت آن را درک کنند و میزان آسیب‌پذیری‌شان را در برابر آن بدانند تا باعث برانگیخته‌گی و ایجاد هیجان در آنان شود. کیم ویت نویسنده و پژوهش‌گر در دانشگاه میشیگان، پیام ترس‌برانگیز را پیامی اقناعی می‌داند که با برشمردن پی‌آمدهای ناگوار به خاطر روی دست نگرفتن اقدامات مقتضی، ترس را در مخاطب بر می‌انگیزد.

پژوهش‌های زیادی در مورد مؤثریت ترس در اقناع مخاطب در جهان انجام شده است. نتیجه‌ی بسیاری از این پژوهش‌ها تایید این فرضیه است که هرچه مخاطب از پی‌آمد یک بحران بیش‌تر وحشت زده شود، احتمال تغییر مطلوب در او بیش‌تر است. البته باید در نظر داشت که پایداری تغییرات مطلوب در رفتار گیرنده‌گان پیام، منوط به عوامل چون هیجانات ناخواسته، زمان دوری یا نزدیکی وقوع تهدید و... است که در این نوشته به آن‌ها پرداخته نمی‌شود. البته باید در نظر داشت که تنها نشر رویدادهای ترس‌انگیز و القای ترس محض نمی‌تواند منجر به تغییر رفتار مطلوب در گیرنده پیام شود. درک شدت تهدید، درک آسیب‌پذیر بودن، درک کارایی فرد برای مبارزه برابر بحران و در این که کارایی فرد برای مبارزه مؤثر است، عناصر کلیدی‌اند که در پیام‌های برانگیزاننده ترس باید به آن توجه شود تا در رفتار گیرنده پیام تغییرات مطلوب به وجود آید.

بانو کیم ویت استاد دانشگاه میشیگان، با ارایه مدل (الگویی) زیر نام الگوی فرایند موازی گسترده به پردازش و فرایند پذیرش یا رد پیام ترس‌برانگیز از سوی گیرنده‌گان پیام پرداخته است. این مدل در پژوهش‌های زیادی که مرتبط با ارتباطات سلامت‌اند به کار رفته است. در شرایط بحرانی برخاسته از بیماری کرونا نیز رسانه‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی با کاربرد این مدل می‌توانند پیام‌های فرستاده شده مرتبط با کووید-۱۹ را طوری طراحی و به گیرنده گان بفرستند تا آنان را به سوی ایجاد انگیزه‌های محافظتی، پذیرش پیام و کنترل خطر (پذیرش توصیه‌های رفتار بهداشتی) سوق دهند. عمل‌کرد وارونه آن‌چه که گفته آمدیم، از سوی فرستنده گان پیام منجر ایجاد انگیزه دفاعی، رد پیام و کنترل ترس (فرد در پی فرار از ترس بیماری است) می‌گردد. بر اساس این مدل، اجزای پیام ترس‌انگیز از این قرار است.

عناصر پیام ترس‌برانگیز

القای درک شدت تهدید بیماری

هنگامی که مخاطب پیامی را دریافت می‌کند، نخستین گام ارزیابی شدت تهدیدی است که برای او موضوعیت دارد. تهدید درک شده در واقع میزان ضرر و زیان است که گیرنده ممکن است متحمل شود. مثلاً؛ اگر میزان شیوع سریع و کشنده‌گی کووید-۱۹ از سوی رسانه زیاد گزارش شود، مخاطب به گونه خودکار، شدت بیش‌تر تهدید برخاسته از بیماری را درک می‌کند. به یاد باید داشته باشیم که این متغیر به تنهایی کافی نیست بلکه شرط لازم برای پذیرش پیام و کنترل خطر است. تکمیل فرایند پذیرش پیام و تغییر رفتار مطلوب بهداشتی، وابسته به میزان متغیرهای دیگری چون درک مستعد بودن به بیماری، خودکارایی فرد در مبارزه با بیماری و اثربخشی کارایی فرد دارد.

القای درک مستعد بودن به بیماری

به زبانی ساده، مستعد بودن به بیماری به این معنا است که محتوای پیام به گیرنده پیام این مفهوم را القا کند که او نیز ممکن است بیمار شود. مثلاً؛ زنان نسبت به مردان بیش‌تر مستعد دچار شدن به سرطان پستان اند و یا افراد سگرتی بیش‌تر از کسانی که سیگار نمی‌کشند مستعد به بیماری‌های تنفسی‌اند. به گونه ویژه پیام‌های رسانه‌ای در مورد کووید-۱۹ را که تا اکنون دریافت کرده‌ایم، بزرگ‌سالان را نسبت به جوانان و کودکان بیش‌تر مستعد به بیماری گفته‌اند. از این جهت، بزرگ‌سالان بیش‌تر خود را مستعد دچار شدن به کووید-۱۹ می‌دانند و فرض بر این است که بزرگ‌سالان بیش‌تر از این بیماری می‌ترسند. تا زمانی که گیرنده پیام خود را مستعد گرفتاری به بیماری نداند، متغیرهای دیگر تأثیری بر اقناع وی و ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار بهداشی وی ندارد. اگر مخاطب شدت زیاد بیماری را درک کند اما خود را مستعد دچار شدن نداند به پیام واکنشی نشان نمی‌دهد.

آموزش برای افزایش کارایی

خودکارایی متغیر دیگری است که در اقناع گیرنده پیام تأثیر فراوان دارد. خودکارایی باور مخاطب نسبت به توانایی و مهارت‌هایش در اجرای توصیه‌های بهداشتی برای جلوگیری از بیماری است. پیام‌هایی با محتوای آموزش از سوی فرستنده‌گان به گیرنده‌گان فرستاده شود تا آنان راه‌های مقابله را بدانند. آنگاه این اندیشه در آنان پدید می‌آید که به راحتی و به شکل مؤثر می‌توانند توصیه‌های مراجع بهداشتی را عملی کند تا از بروز بیماری جلوگیری شود و در نهایت در فرآیند کنترل خطر قرار می‌گیرد. فرستنده گان پیام، توصیه‌های بهداشتی مرتبط با کووید-۱۹ مانند، شستن مکرر دست‌ها، استفاده از ماسک در مکان‌های عمومی، خودداری از دست‌دادن، بغل‌کشی و روبوسی و ... را برای مخاطب توصیه می‌کند. مخاطبی که این آموزش‌ها را فرا گرفته باشد، خود را برای جلوگیری از بیماری آماده می‌داند.

القای باور اثربخشی کارایی

اثربخشی کارایی نیز متغیری اثرگذار در زمینه اقناع گیرنده پیام است. باور مخاطب در مورد اثربخش بودن توصیه‌های بهداشتی در جلوگیری از بیماری، اثربخشی کارایی است. به این مفهوم؛ مخاطب باور داشته باشد که توصیه‌های بهداشتی اثر لازم در جلوگیری از بیماری را دارد. به گونه مثال؛ مخاطب باید بپذیرد که شستن مکرر دست‌ها، دست ندادن، در خانه ماندن و سایر توصیه‌های بهداشتی در جلوگیری از دچار شدن به کووید-۱۹ تأثیر دارد.

چالشی که همین اکنون در برابر نهادهای بهداشتی در جوامع سنتی مثل افغانستان و بعضاً ایران وجود دارد این است که برخی از مردم به توصیه‌های بهداشتی مرتبط با کووید-۱۹ باور ندارند و آن را اثربخش نمی‌دانند. دست کم در افغانستان، رسانه‌ها و کاربران رسانه‌های اجتماعی در ایجاد باور عمومی برای اثربخش بودن این توصیه‌ها توفیقی نداشته‌اند.

فرستنده‌گان پیام، این نکته را در نظر بگیرند که تنها بالا بردن شدت تهدید بیماری کووید-۱۹ برای ایجاد حس ترس و در نهایت تغییر رفتار مطلوب بسنده نیست. بلکه در کنار آن باید همه گیرنده‌گان پیام را قانع کرد که کووید-۱۹ می‌تواند همه گروهای سنی را دچار کند اما این‌که میزان کشنده‌گی این بیماری بین گروه‌ها مختلف نظر به سن و وضعیت سلامتی چه مقدار است نیز گزارش شود. از سوی دیگر، آموزش‌های ساده، کوتاه و ترجیحاً مصور برای گیرنده‌گان فرستاده شود که در محتوای آن آموزش لازم برای جلوگیری از این بیماری وجود داشته باشد. در نهایت، پیام‌هایی با محتوای مؤثریت کارایی نیز گنجانده شود تا گیرنده‌گان پیام به تأثیرگذار بودن توانایی و مهارت‌های‌شان برای جلوگیری از این بیماری باور کنند.

آنگاه که گیرنده پیام مغتیرهای شدت تهدید کووید-۱۹، مستعد بودن گرفتاری به کووید-۱۹، خودکارایی برای جلوگیری از دچار شدن به کووید-۱۹ و اثربخش بودن توصیه‌های بهداشتی را کنار هم درک و به آنان باور کند در مسیر پذیرش پیام و کنترل خطر قرار می‌گیرد. بنا بر این، آنان نگرش، قصد و رفتارشان را در جهت مطلوب تغییر می‌دهند. بر اساس مدل فرایند گسترده موازی، اگر فرض را به غیابت مستعد بودن گرفتاری به بیماری طرح کنیم، تحقیقات نشان داده است که مخاطب پیام را نادیده می‌گیرد. اگر فرستنده‌گان پیام وجود تهدید بلند را در ذهن گیرنده‌گان ایجاد کنند اما متغیرهای خودکارایی و اثربخش بودن توصیه‌ها در این رابطه پایین باشند، مخاطب پیام را رد می‌کند و در فرایند کنترل ترس قرار می‌گیرد. هنگامی که آنان در کنترل ترس هستند، انکار می‌کنند که با تهدید روبه‌رو اند و با عصبانیت نسبت به کسانی که می‌خواهند به آنان کمک کنند برخورد می‌کنند.

به گفته بزرگان، آن که به خرد توانا شد، ترس برایش نامفهوم است.

شما بگویید ما نمی‌شنویم

احمدمسعود عامر کارشناس حکومت‌داری و اداره عامه

اگر در طی سالیان اخیر به انتقادات از دولت نظر انداخته شود، علی‌رغم موجودیت فضای اختناق‌بار اجتماعی و امنیتی، انتقادات جدی از کارکرد حکومت‌ها هر گاه به نشر رسیده است، ولی با وجود آن در اکثر موارد مسوولان دولت یا بلادرنگ به تکذیب معلومات داده شده پرداخته‌اند و یا منبع یا شخص انتقادکننده را به شکل خصمانه مورد انتقاد متقابل قرارداده‌اند. در آخرین مورد، برخورد نسبتاً تند و ملامت‌گرایانه رییس جمهور با یک‌تن از دختر خانم‌ها که انتقادات موجهی نیز داشت را می‌توان به طور نمونه یادآورد شد که برخورد رییس جمهور و انتقاد متقابل وی، با نشانه‌گیری نسل بالنده و جوان کشور بازتاب منفی گسترده‌ای را در قبال داشت.

آزادی بیان، حق انتقاد از دولت، چه از طرف اشخاص و یا رسانه‌ها، یکی از اساسی‌ترین شرایط دموکراسی و مردم‌سالاری به شمار می‌رود، تا جایی که معلومات را می‌توان به مثابه‌ی «اکسیجن بقای مردم‌سالاری» یاد کرد. از شیوه‌های رایج برای ارایه معلومات از نشر گزارش‌های تفصیلی از طرف مقامات حکومتی، ارایه معلومات عام فهم و نشر آن از طریق ویب‌سایت و یا شبکه‌های اجتماعی و تدویر کنفرانس‌های خبری از طرف مسوولان درجه اول حکومت یعنی شخص رییس جمهور و وزیران را می‌توان یاد کرد. ظاهر شدن در برابر رسانه‌ها و تدویر کنفرانس خبری یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین شیوه حساب‌دهی به شمار می‌آید.

شاهدیم که رییس‌جمهوران، وزیران و سایر ارگان‌های دولتی در سایر کشورها به شکل منظم از طریق کنفرانس‌های خبری به پرسش‌های خبرنگاران مستقیماً پاسخ می‌دهند، ولی هم‌چنان می‌بینیم، آخرین باری که رییس جمهور افغانستان کنفرانس خبری داشت، ممکن از آن مدتی زیاد گذشته باشد و آن کنفرانس هم ممکن به دلیل بازدید کدام هیات بلندرتبه خارجی کنفرانس راه‌اندازی شده باشد. این شکل معلومات‌دهی به هیچ‌وجه به اقناع مردم منجر نمی‌شود و با در نظر داشت نقش بالقوه رسانه‌های اجتماعی و عطش روزافزون مردم برای دست‌رسی به معلومات، شکاکیت مردم در خصوص حساب‌ده بودن مسوولان درجه‌اول حکومت، بیش‌تر از پیش می‌شود. در این‌جا سخنرانی در محافل و یا تدویر مجالس فرمایشی از طریق رسانه‌های دولتی را نباید با اصل شفافیت و معلومات‌دهی به رسانه‌های آزاد و مستقل به اشتباه گرفت.

تدویر کنفرانس‌های خبری برای پاسخ‌دهی به پرسش‌های رسانه‌ها به شکل منظم و مطابق تقسیم اوقات از قبل تعیین‌شده، یکی از ملزمات حکومت‌های مردم‌سالار، خصوصاً و با در نظر داشت شرایط بحران کرونا می‌باشد. در چهار ماه اخیر که جهان دست به گریبان با مصیبت کرونا است، اکثر رییس‌جمهوران جهان حتا روزانه و به شکل مستقیم از کارکرد خودشان به مردم پاسخ می‌دهند. ولی در افغانستان با وجود نگرانی‌های جدی ناشی از ویروس کرونا و ده‌ها چالش جدی دیگر، حتا وزیران نیز به ندرت مقابل رسانه‌ها ظاهر می‌شوند. چنان‌که می‌بینیم، پنهان شدن پشت لشکری از سخنگویان و معاونین سخنگویان به یک رسم بدل شده تا جایی که حتا ادارات کوچکی چون شاروالی کابل، پولیس و غیره نیز از طریق سخنگو و یا معاون سخنگو با مردم به تماس می‌شوند. با تاسف که نحوه معلومات‌دهی از طریق سخنگویان در اکثر موارد به شکل کلی‌گوی و با به کارگیری اصطلاحات کلیشه‌ای و یا اغفال‌کننده، همراه بوده که این عمل نه تنها برای مطبوعات مشکل‌زا است، بلکه به هیچ‌وجه قناعت مردم و عطش‌شان برای دانستن را رفع نمی‌کند.

در مواردی که انتقادی از حکومت صورت گیرد، مسوولان خود را به اصطلاح به کوچه حسن چپ میزنند و یا بدون ارایه اسناد به تکذیب خبر می‌پردازند. این در حالی است که در سایر کشورها وقتی گزارشی یا انتقادی از حکومت‌ها صورت می‌گیرد، مسوولان دولتی از معلومات ارایه شده سریعاً استفاده کرده و به شکل مستقلانه به تحقیق در مورد انتقاد وارده پرداخته و دوباره به مردم از طریق مطبوعات و یا راه‌اندازی کنفرانس خبری گزارش می‌دهند. گزارش‌های تحقیقی یکی از شیوه‌های شایع خبرنگاری در جهان معاصر به شمار می‌رود و در حقیقت یافته‌های رسانه‌ها، حکومت‌ها را در رساندن خدمات و ایجاد شفافیت در کار، کمک شایانی می‌کند. بی‌تفاوتی در قبال گزارش‌های انتقادی چه از طرف رسانه‌ها و یا شهروندان در واقع فرار از مسوولیت و عدم پاسخ‌گویی حکومت به مردم محسوب می‌شود که در نهایت منجر به افزایش فساد و بی‌اعتمادی مردم به دولت می‌گردد. ولو اگر منبع یا محتوای گزارشی دقیق نباشد، مسوولان ملزم‌اند تا موضوع را در مقابل کنفرانس خبری توضیح دهند. آخرین، و یکی از جدی‌ترین مواردی را که می‌توان به گونه‌ای نمونه این‌جا یادآور شد، گزارش در مورد حیف‌ومیل شدن پول توزیع نان است مقامات بدون ارایه سندی، بی‌درنگ گزارش را تکذیب کردند و ملامتی را به گردن رسانه‌ها و یا آدرس‌های نامعلوم انداختند. با درک اهمیت مسأله، لازم بود تا مقامات درجه‌اول مملکت به توضیح مسأله پرداخته و امکان آن را میسر می‌ساختند تا رسانه‌ها در مورد پرسش‌های‌شان را مطرح کنند. این شکل حکومت‌داری، کار را به جایی رسانده است که شیوه‌ی «شما بگویید ما نمی‌شنویم» را به یک فرهنگ دولتی بدل ساخته است.

با در نظر داشت اهمیت معلومات در جهان معاصر، امیدوار استیم مسوولان در راس شخص رییس جمهور در این مورد با به کار گیری شیوه‌های رایج از طریق تدویر کنفرانس‌های خبری به شکل منظم به پاسخ رسانه‌ها بپردازند. علاوتاً لازم است تا نهادهای دولتی در راس وزیران، شخصاً به مطبوعات با دایر نمودن کنفرانس‌های خبری پاسخ دهند نه از طریق سخنگویان. هم‌چنین برای تسهیل دست‌رسی مردم به معلومات، باید معلومات مهم در مورد بودجه ملی، برنامه‌های وزارت‌خانه‌ها و کمک‌های خارجی به شکل عام‌فهم از طریق ویب‌سایت‌های مربوطه در دست‌رس مردم قرار داده شود.